

بایدها و نبایدهای جریان اصلاحات در نگاه
علی تاجرنیا، نماینده مجلس ششم

نباید همیشه در قدرت باشیم!

۳۶۲



نگاهی به زندگی علی شریعتی
روشنفکر مسلمان



گذری در زندگی و آثار محمدعلی کشاورز
بدرود پدرسالار!

زلزله و بحران آتش سوزی در کشور

همین چند لحظه آخر

Ayatmandegar
biweekly

فریدرز ناظمی الهی
استاد دانشگاه



نورالدین لطفی
داستان نویس



آیت ماندگار

www.ayatmandegar.ir

دو هفته نامه سیاسی، اجتماعی | شماره ۹۷ | نیمه دوم خرداد ۱۳۹۹ | سال ششم | ۱۲ صفحه | قیمت ۱۰۰۰ تومان | Political, Social | No.97 First of June 2020



نگاهی به تحولات ایالات متحده در آستانه
انتخابات ریاست جمهوری

ترامپ باعث فروپاشی آمریکا می شود؟

۷۶۶

به بهانه نود و یکمین سالروز مامان توران
توصیه های توران میرهادی

۵

شریعتی؛ سامانی به ناسامانی ها

میرزاعلی آبدالهی
پژوهشگر

سرد مقاله

۱۲





علی تاجرنیا، نماینده مجلس ششم از بایدها و نبایدهای جریان اصلاحات می‌گوید

نباید همیشه در قدرت باشیم!

* آن زمان می‌گفتند این چند کاندیدایی اصلاح‌طلبان نهایتاً باعث روی کار آمدن فردی همچون محمود احمدی‌نژاد شده است.

حالا هم ما اجماع کردیم و آقای روحانی سر کار آمده است، آقای روحانی چه گلی به سر این کشور زده است؟

* پس یعنی هدف وسیله را توجیه نمی‌کند؟

چهره‌های با سابقه اصلاحات عادت کرده‌اند که حتماً باید یک جای پای در قدرت داشته باشند. اگر آقای روحانی هم کاندیدا نبود برخی بین آقای قالیباف و ریسی می‌رفتند و کسی دیگر را انتخاب می‌کردند، کما اینکه الان هم یکسری دنبال این هستند که آقای لاریجانی را برای دور بعد کاندیدا کنند و اعلام می‌کنند رای دهید تا به یک‌باره یک اصولگرایی تند یا یک جبهه پایداری روی کار نیاید

این استراتژی درستی نیست. البته ممکن است یک زمانی بنشینند و با آقای لاریجانی بحث کنند که به فرض شما باید کابینه را به این صورت بچینید یا این کار را انجام دهید... که این شفافیت‌ها خوب است، اما اینکه ما به دنبال آدم‌ها می‌رویم و بعد هم به دنبال آن‌ها می‌دویم که این را وزیر خود نگذار و اینجا اینگونه عمل کن یا آنجا اینطوری عمل نکن، فایده ندارد. من این روش‌ها را قبول ندارم چون سیاست‌ورزی‌های فرصت‌طلبانه است و به نظر من این‌ها سیاست‌ورزی نیست که منتج به بهتر شدن وضع مردم شود. یک جریان سیاسی ممکن است یک دوره یا دو دوره یا هشت سال از قدرت دور باشد، خوب باشد! دلیلی ندارد نباید و به خاطر یک مصلحت‌اندیشی هر فعالیتی به هر شکل انجام دهد. اگر فردا در انتخابات ریاست‌جمهوری آینده هیچ اصلاح‌طلبی نیاید و آقای لاریجانی هم کاندیدا نشود، باز هم یکسری می‌گویند بین آقای قالیباف و فلان آدم تند احمدی‌نژادی سراغ قالیباف برویم. اینکه ما برای سیاست‌ورزی در انتخاب آدم‌ها هیچ برنامه‌ای نداریم و جز بردن به چیز دیگری فکر نمی‌کنیم، واقعاً کار درستی نیست؛ این روش با اصول اصلاح‌طلبی هم در تعارض است.

متأسفانه غیر از چند چهره خاص در جریان اصلاح‌طلبی بقیه همه به دنبال این نوع سیاست‌ورزی هستند. من معتقدم هرچقدر ما در دوره آقای احمدی‌نژاد و عملکرد بد او سرمایه اجتماعی به دست آوردیم پس از آن دوران، این سرمایه‌ها را از دست دادیم.

* پس فکر می‌کنید در انتخابات ۱۴۰۰ هم باید اینگونه عمل کرد؟

من معتقد هستم که اگر می‌خواهیم سیاست‌ورزی کنیم باید شفاف عمل کنیم. مثلاً اگر آقای لاریجانی کاندیدای اصلاح‌طلبان است، باید مشخص باشد که ایشان چه موضعی دارد و چه کاری می‌کند و چه فعالیت‌هایی را در خصوص شعارها و بحث اصلاح‌طلبی دنبال می‌کند و بعد هر بحثی را ادامه دهیم.

* یعنی همان بحثی که گفته می‌شود نباید یک چک سفید امضا به

من معتقدم که این روش‌ها خیلی موثر نیست، خصوصاً جایی که به جای احزاب و تشکلهای، حضور افراد تعیین‌کننده می‌شود. این کار، سم فعالیت‌های اجتماعی و تشکیلاتی است و عملاً رواج دادن فعالیت‌های باندى است که بیش از اینکه تشکیلات سالار باشد براساس ارادت سالاری شکل می‌گیرد، بنابراین به نظر من این ساختار باید دگرگون شود؛ تجربه هم نشان داده که با تغییرات جزئی و اضافه و کم کردن چند نفر این مسائل حل نمی‌شود.

* یعنی شما فکر می‌کنید بهتر است جریان اصلاح‌طلب در ادامه مسیر با تشکیل چند حزب با تشکیلات قدرتمند، چند کاندیدا هم داشته باشد؟

بالاخره باید چند نفرشان به هم نزدیک شوند. در حال حاضر در بین اصلاح‌طلبان دو تشکیلات خیلی جدی وجود دارد، در اصولگرایان هم همین‌طور. در این شرایط باید سایر تشکلهای هم به یکی از آن‌ها نزدیک شود که احزایی فراگیرتر و سراسری شکل دهند. اما اکنون ۳۰ الی ۴۰ تشکیلات وجود دارد و معمولاً نزدیک انتخابات همه‌شان فعال می‌شوند و سهم‌خواهی می‌کنند و بعد می‌روند و خبری از آن‌ها نیست. با این شرایط که نمی‌شود سیاست‌ورزی کرد!

* برای مثال اصلاح‌طلبان در انتخابات ریاست‌جمهوری سال ۸۴ و

اصولگرایان در سال ۹۲ مشخصاً این تجربه را داشتند و با چند کاندیدا وارد انتخابات شدند که هر دو جناح از آن به‌عنوان یک اشتباه عبرت‌آموز یاد می‌کنند و می‌گویند اگر کاندیدای واحد داشتند پیروز می‌شدند، یعنی در تمام این سال‌ها این بحث بوده است که شکست اصولگرایان یا اصلاح‌طلبان در هر انتخابات به خاطر تعدد کاندیدا بوده به همین دلیل همیشه تلاش برای اجماع بر سر یک کاندیدا مطرح است تا هر کدام رای حداکثری بگیرد. توضیحات شما به این معناست که باید این رویه را کنار گذاشت؟

موضوع ریاست‌جمهوری مقداری متفاوت است چون وجهه ملی دارد و چه بسا نزدیک به انتخابات هم شرایط به‌گونه‌ای می‌شود که خیلی از احزاب به هم نزدیک می‌شوند، مثل اینکه شما در دوره قبل در جریان اصولگرا دیدید آقای قالیباف به نفع آقای ریسی کنار کشید یا در انتخابات ریاست‌جمهوری آقای جهانگیری به نفع آقای روحانی کنار رفت. این شرایط یک امر طبیعی است منتهی باید از ابتدا این افراد براساس ساختار حزبی شکل بگیرند. ما اگر می‌خواهیم مردم را در درازمدت به کارهای تشکیلاتی و شفاف عادت دهیم باید این مسیر را امتحان کنیم. به نظر من آن مسیری که سال ۸۴ منجر به این شد که بخشی آقای دکتر معین و بخشی آقای کروبی را انتخاب کنند، اشتباه نبوده است و آن مسیر درستی بوده است. چون ما که نباید همیشه در قدرت باشیم.

گپ

آینده حیات سیاسی جریان اصلاح‌طلب ماه‌هاست که زیر ذره‌بین رسانه‌ها و منتقدان قرار گرفته است. برخی چهره‌های اصلاح‌طلب بحث ضرورت بازسازی درون تشکیلاتی را مطرح می‌کنند و بعضی از ناکارآمدی اصلاح‌طلبان در مجلس دهم و سوءمدیریت شورای عالی سیاست‌گذاری اصلاح‌طلبان می‌گویند؛ نقطه عطف همه بحث‌ها اما چند و چون حضور این جریان سیاسی در انتخابات ۱۴۰۰ و اما و اگرها پیرامون نحوه بروز و ظهور اصلاح‌طلبان در آن است.

علی تاجرنیا، عضو حزب اتحاد ملت و نماینده مجلس ششم در همین رابطه تأکید می‌کند که بهتر است جریان‌های سیاسی، هر کدام به چند تشکل اصلی تقسیم شوند و هریک در انتخابات کاندیدای خود را داشته باشند. از نظر او تعدد کاندیدا در یک جریان سیاسی ایراد نیست به همین دلیل توضیح می‌دهد که چرا مخالف ائتلاف و اجماع بر سر یک فرد است.

این فعال سیاسی اصلاح‌طلب معتقد است که انتخاب افراد برای حضور در انتخابات‌ها به اسم مصلحت‌اندیشی صورت می‌گیرد و نهایتاً باعث می‌شود هر روز یک نوع تفکر محافظه‌کاری که به حضور در قدرت به هر جهت اعتقاد دارد، بر اصلاح‌طلبان سایه بیندازد.

* آقای تاجرنیا! با توجه به شرایطی که جریان اصلاح‌طلب در آن قرار دارد، به‌خصوص با ضعف ساختاری موجود در شورای عالی سیاست‌گذاری اصلاح‌طلبان، فکر می‌کنید اصلاح‌طلبان باید چه روشی را برای ادامه راه خود انتخاب کنند؟

رفتارهای جبهه‌ای چه از طرف مجموعه اصلاح‌طلب و چه از طرف مجموعه اصولگرا باعث شده که پاسخگویی جدی در مورد تصمیمات و کنش‌های سیاسی این مجموعه‌ها وجود نداشته باشد؛ یعنی هر کدام از این ائتلاف‌ها بعد از بحث و جدل‌های فراوان در هر انتخابات به یک لیست واحد می‌رسند و با آن وارد انتخابات می‌شوند، اما به دلیل شرایطی که بعد از انتخاب فرد یا افراد، به وجود می‌آید هیچ جریانی پاسخگویی عملکرد آن‌ها نیست.

به‌طور مثال در مجلس دهم، شورای عالی اصلاح‌طلبان لیست امید را معرفی کرد، بعد از اینکه نتوانست آن‌طور که باید و شاید عمل کند، یکسری از احزاب درون اصلاح‌طلبان نسبت به عملکرد آن‌ها منتقد شدند، یا مثلاً در مورد شورای شهر هم ما شاهد بودیم که مجموعه‌هایی شکل گرفت، اما کسی پاسخگویی این نبود که چرا در حوزه مدیریت شهری در یک دوره، سه شهردار عوض شد و فعالیت‌هایی که آن‌ها انجام داده‌اند تا چقدر کارآمد بوده است. واقعیت این است که این نوع رفتارهای جبهه‌ای در کشور ما از اساس تأثیرگذار نبوده است؛ از نظر من اکنون راه‌حل این است که باید هر دو جبهه سیاسی اصولگرا و اصلاح‌طلب در درون خود به دو تا سه تشکیلات تقسیم شوند و هر کدام از آن‌ها به‌طور مجزا در انتخابات ورود کنند و براساس کاندیداهایی که دارند بعد از انتخابات با هم ائتلاف کنند.

در حال حاضر کاندیدای گروه‌هایی که صاحب رای هستند تأیید صلاحیت نمی‌شود و در ادامه مجبور می‌شوند به یکسری نامزدهای مستقل روی بیاورند و رای دهند؛ اما این منتخبان بعد از رای‌آوری تعهدی به مانیفست‌ها و باورهای آن جریان سیاسی ندارند و این موضوع ما را دچار یک دور باطلی کرده است که نهایتاً نمی‌توانیم پاسخگویی مردم هم باشیم.

آقای احمدی‌نژاد خراب‌کاری می‌کند و اصولگرایان نمی‌توانند دفاع کنند و آقای روحانی بد عمل می‌کند و اصلاح‌طلبان نمی‌توانند دفاع کنند. بنابراین من معتقد هستم هر کدام از این شرایط و انتخاب‌ها که به اسم مصلحت‌اندیشی صورت می‌گیرد، نهایتاً باعث می‌شود که هر روز یک نوع تفکر محافظه‌کاری که به حضور در قدرت به هر جهت اعتقاد دارد، بر اصلاح‌طلبان سایه بیندازد و همین امر باعث از دست دادن سرمایه‌های اجتماعی در درازمدت می‌شود.

متأسفانه یکسری دوستان ما در نسل اول در طی چند دهه گذشته، زمانی که ۲۲ و ۲۳ ساله بودند تا الان که ۶۰ و ۷۰ سال دارند، همیشه تأثیرگذار بوده‌اند و هیچ‌وقت هم پاسخگویی اشتباهات خود نبودند. من فکر می‌کنم که احزاب باید خودشان به تنهایی فعالیت‌هایی براساس ظرفیت‌هایشان انجام دهند و نهایتاً بعد از آن به ائتلاف برسند. اینکه جناح مقابل با هم جمع شود و این امکان باشد که ما انتخابات را از دست بدهیم، به نظر من خیلی بهتر از این شکل ورود است.

متأسفانه مردم هم آرام‌آرام از این نوع انتخاباتی که معمولاً در آن پاسخگویی وجود ندارد، زده می‌شوند. بنابراین من معتقد به ساختار چندحزبی هستم. باید دولت و مجلس را متقاعد کرد که انتخابات را به‌صورت حزبی به رسمیت بشناسند. ما همین مساله را در میان اصولگرایان هم می‌بینیم که به‌خاطر پیروزی بر جناح اصلاح‌طلب سعی می‌کنند با هم اتحاد ظاهری داشته باشند و بعد از پیروزی دچار مشکل و انشقاق می‌شوند.

گفت و گو

داریوش شم‌آبادی در گفت‌وگو با «آیت ماندگار» مطرح کرد به خاطر حس وطن‌دوستی روی به تدریس تای چی جوان آوردم



مسئول کمیته هنرهای رزمی و فردی و ذهنی ایران تصریح کرد: در حال حاضر برای آگاهی مردم عزیز میهن خود و به خاطر داشتن حس وطن‌دوستی بسیار و علاقه بسیار به سرزمین مادری‌ام ایران، شروع به تدریس این ورزش و سبک منحصر به فرد خود کردم. حال، شم‌آبادی بیش از چهار هزار دانشجو در داخل و خارج از کشور دارد. همچنین در رشته ورزشی تای چی چون دارای سبک منحصر به فرد خود است. وی معتقد است بیماری‌های بسیاری از جمله شیوزوفرنی، افسردگی و انواع دیگر از بیماری‌های روحی و جسمی را با استفاده از این ورزش می‌توان درمان کرد.

مسئول کمیته هنرهای رزمی، فردی و ذهنی ایران در پایان خاطرنشان کرد: اگر به این باور برسیم که ما در این جهان، بخشی از یک طرح الهی هستیم، آن‌وقت هدایت الهی، تک‌تک حرکات ما را به پیش می‌برد. علاقه‌مندان می‌توانند استاد داریوش شم‌آبادی را در فضای مجازی با آدرس‌های زیر دنبال کنند:

کانال تلگرام: @amozeshghodratedaruosh
کانال تلگرام: @taichichuandariush
صفحه اینستاگرام: @dsh1360.dsh1360

داریوش شم‌آبادی از آن دست افرادی است که برای موفقیت روزهای سختی را پشت سر گذاشته است. روزگاری و در سنینی که نیاز به عاطفه داشت در پی وقوع سخت جنگ تحمیلی، بهترین‌های زندگیش را از دست داد، اما این اتفاق ناگوار باعث نشد او از مسیر موفقیت منحرف شود. در ادامه مسیر زندگی‌اش خود را به ورزش نزدیک کرد و در سکوت و فارغ از هیاهوها شروع به انجام تمرینات و سبکی کرد که به نوعی خود، مبدع آن بود؛ همین سخت‌کوشی او کافی بود که خیلی زود به توانایی و قدرت‌های ذهنی بالایی دست پیدا کند.

داریوش شم‌آبادی متولد آذر ۱۳۶۰ در اندیمشک (از شهرستان‌های استان خوزستان) است. او فارغ‌التحصیل مهندسی برق، مربی درجه سه کیک‌بوکسینگ، دارای شالیند مشکی کونگ‌فو و مسئول کمیته هنرهای رزمی و فردی و ذهنی ایران که در حال حاضر بیش از چهار هزار هنرجو در داخل و خارج از کشور را تحت آموزش خود دارد، است.

۱۰ سالگی اولین مرحله از زندگی او بود که توان ورزشی خود را در رشته کونگ‌فو محک بزند و سپس فعالیت در کیک‌بوکسینگ را در دستور کار خود قرار داد.

شم‌آبادی در گفت‌وگو با «آیت ماندگار» می‌گوید: در ابتدای امر توفیق شاگردی استاد جهانگیری را در رشته ورزشی کونگ‌فو داشتم و سپس در ادامه آموزش‌ها را نزد استاد بزرگ ایران مهدی رودگر ادامه دادم.

وی افزود: با توجه به این که فلسفه خداشناسی، خودشناسی و درک درست‌داشتن از وجود خویشتن خویش است، بنده نیز دریافتیم که آنچه خداوند در کتاب مقدس قرآن انسان را اشرف مخلوقات خطاب می‌کند، امری بديهی نیست و در درون انسان قدرتی نهفته است که می‌تواند بالاترین موجود زنده در بین تمام موجودات باشد. از این رو با تلاش و کوشش فراوان به مرحله‌ای از ادراک رسیدم که توانستم این موضوع را با تک‌تک سلول‌هایم احساس و لمس کنم.

یک کاندیدا داده شود؟

بله. دولت آقای روحانی عزم جدی برای مبارزه با فساد نداشته است، اگرچه این فساد در زمان آقای احمدی‌نژاد نهادینه شده است، اما اراده‌ای هم در دولت آقای روحانی برای مبارزه با فساد وجود نداشته است. بخش عمده بی‌اعتمادی که مردم امروز دارند به دلیل همین مسائل بوده است. ما نمی‌توانیم چک سفید امضا به افراد بدهیم که شما رییس‌جمهور شو و بعد بخواهیم به دنبال آن‌ها بدویم.

من معتقدم یا باید وارد بحث‌های انتخاباتی به شکل مرسوم خودش شویم و یا مثل کشورهای غربی بدون تعارف بحث کنیم که فردی که می‌خواهد وارد انتخابات شود مشخص کند سهم هر جریان سیاسی از دولت ائتلافی چقدر خواهد بود و این مجموعه چگونه عمل خواهد کرد.

متأسفانه این بحث‌ها در کشور ما نهادینه نشده است. خیلی از افراد حاضر نیستند روی صحنه این نوع بحث‌ها را انجام دهند. اسم بردن از قدرت امر منفی تلقی می‌شود، اما در پشت صحنه به جای اینکه احزاب میدان‌دار باشند، اشخاص لابی‌های فردی می‌کنند و هزینه آن را جریان سیاسی می‌دهد. ضمن اینکه در کشور ما ظاهراً قرار نیست که کسی از نظر سیاسی بازنشسته شود، بالاخره باید فضا را برای دیگران هم آماده کنند تا آن‌هایی هم که در این بحث وارد شده‌اند رشد کنند و بحث‌های خودشان را مطرح کنند.

منبع: خبر آنلاین



معرفی کتاب

سقراط: یونانی‌ای جویای حقیقت در عهد باستان

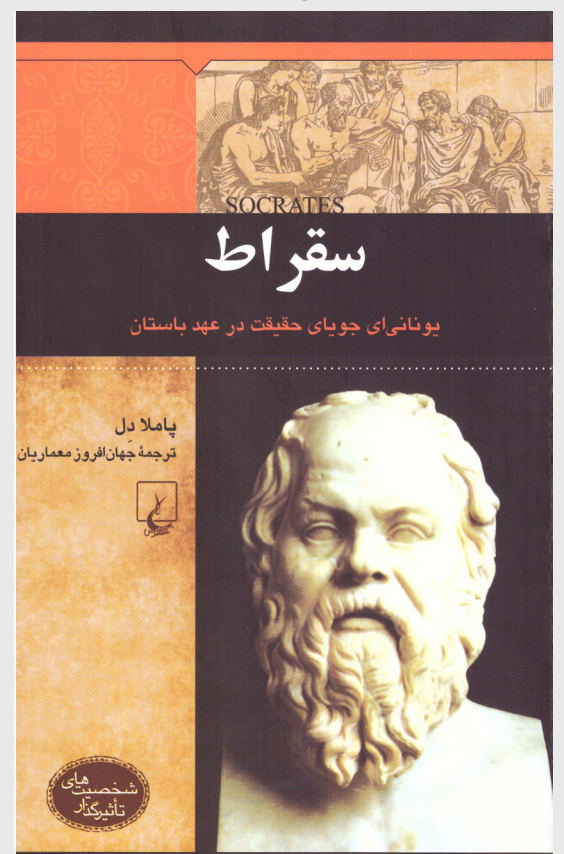
سقراط در سال ۴۶۹ پیش از میلاد مسیح در دولت‌شهر آتن که اندیشمندان بسیاری در آن می‌زیستند چشم به جهان گشود.

اکثر این فیلسوفان در پی شناخت محیط اطراف خود بودند، اما سقراط در جستجوی

حقایق مربوط به نفس و اصول اخلاقی انسان بود. او خود به خستگی‌ناپذیری در پرسش‌گری شهره شد و به جوانان آموخت که از دیگران نیز سوال کنند.

برخی از آنتیان پرسش‌های سقراط را نمی‌پسندیدند. قدرتمندان آتن در سال ۳۹۹ پیش از میلاد مسیح از سقراط شکایت کردند که به محاکمه‌ای پرشور و سپس مرگ این فیلسوف مشهور منجر شد.

علاقه‌مندان به مطالعه می‌توانند کتاب سقراط: یونانی‌ای جویای حقیقت در عهد باستان را از انتشارات ققنوس تهیه کنند.



خدمات مجموعه فرهنگی - مذهبی آیت... آیتی

برنامه‌ها و خدمات این مجموعه عبارتند از:

- ✓ نماز جماعت
- ✓ سخنرانی‌های مذهبی
- ✓ برگزاری مجالس ترحیم
- ✓ برگزاری مجالس و کلاس‌های حج و زیارت
- ✓ تدریس معارف دینی
- ✓ پاسخ به سوالات شرعی و استخاره
- ✓ حل و فصل اختلافات و مشاوره مذهبی و اجتماعی
- ✓ اخذ وجوهات شرعی اعم از سهمین، کفارات و نذورات
- ✓ حوزه علمیه و پرداخت شهریه به طلاب علوم دینی
- ✓ پرداخت شهریه به سادات نیازمند از محل سهم سادات
- ✓ کمک‌های نقدی و غیرنقدی به نیازمندان و محرومان
- ✓ پرداخت وام قرض‌الحسنه با همکاری بانک‌های رسالت و انصار
- ✓ کتابخانه عمومی و ارائه کتب امانی و سالن قرائت‌خانه مجزا برای آقایان و بانوان
- ✓ خدمات دندان‌پزشکی و دندان‌سازی

توزیع کوپن نان بین نیازمندان

این سنت حسنه به ابتکار مرحوم آیت... نایب آیتی با حدود ۵۰ سال سابقه، کاری بی‌بدیل است که عهده‌دار تأمین نان برای سفره محرومان می‌باشد. لذا مومنین می‌توانند کمک‌ها، کفارات و زکات فطریه خود را به شماره کارت: ۹۰۵۸-۳۲۲۸۳-۸۱۱۱-۶۲۷۳ به نام حجت‌الاسلام علیرضا حسینی نزد بانک انصار واریز کرده و در این کار خداپسندانه شریک شوند.

استان خراسان جنوبی، شهرستان بیرجند، خیابان شهید مطهری، مسجد آیت... آیتی
تلفن: ۰۵۶-۳۲۲۲۲۳۶۷ و ۰۵۶-۳۲۲۲۴۴۱۶

نگاهی به زندگی علی شریعتی روشنفکر مسلمان



علی شریعتی در سال ۱۳۱۲ در روستای مزینان از حوالی شهرستان سبزوار متولد شد. اجداد علی شریعتی همه از عالمان دین بوده‌اند. پدر بزرگ علی شریعتی، ملاقرابعلی، معروف به آخوند حکیم، مردی فیلسوف و فقیه بود که در مدارس قدیم بخارا و مشهد و سبزوار تحصیل کرده و از شاگردان برگزیده حکیم اسرار (حاج ملاهادی سبزواری) محسوب می‌شد.

پدر علی شریعتی، استاد محمدتقی شریعتی (موسس کانون حقایق اسلامی که هدف آن «تجدید حیات اسلام و مسلمین» بود) و مادرش زهرا امینی زنی روستایی متواضع و حساس بود.

علی شریعتی حساسیت‌های لطیف انسانی و اقتدار روحی و صلاحیت عقیده‌اش را از مادرش به ودیعه گرفته بود. علی شریعتی به سال ۱۳۱۹ در سن هفت سالگی در دبستان ابن‌یمین، ثبت‌نام می‌کند، اما به دلیل بحرانی شدن اوضاع کشور - تبعید رضاشاه و اشغال کشور توسط متفقین - خانواده‌اش را به ده می‌فرستد و پس از برقراری آرامش نسبی در مشهد، علی و خانواده‌اش به مشهد باز می‌گردند.

علی شریعتی پس از اتمام تحصیلات مقدماتی در ۱۶ سالگی سیکل اول دبیرستان (کلاس نهم نظام قدیم) را به پایان رساند و وارد دانش‌سرای مقدماتی شد. در سال ۳۱، اولین بازداشت علی که در واقع نخستین رویارویی مستقیم وی با حکومت و طرفداری همه‌جانبه او از حکومت ملی بود، واقع شد.

در همین زمان یعنی ۱۳۳۱، علی شریعتی که در سال آخر دانش‌سرا بود به پیشنهاد پدرش شروع به ترجمه کتاب ابودر (نوشته عبدالحمید جوده السحار) می‌کند. در اواسط سال ۱۳۳۱ تحصیلات علی شریعتی در دانش‌سرا تمام شد و پس از مدتی شروع به تدریس در مدرسه کاتب‌پور احمدآباد کرد و همزمان به فعالیت‌های سیاسی ادامه داد.

کتاب «مکتب واسطه» نیز در همین دوره نوشته شده است. در سال ۱۳۳۴، پس از تاسیس دانشکده علوم و ادبیات انسانی مشهد وارد آن دانشکده شد. در دانشکده مسئول انجمن ادبی دانشجویان بود. در همین سال‌هاست که آثاری از اخوان ثالث مانند کتاب ارغنون (۱۳۳۰) و کتاب زمستان (۱۳۳۵) و آخر شاهنامه (۱۳۲۸) به چاپ رسید و او را سخت تحت تاثیر قرار داد.

در این زمان فعالیت‌های سیاسی - اجتماعی علی شریعتی در نهضت (جمعیتی که پس از کودتای ۲۸ مرداد توسط جمعی از ملیون خراسان ایجاد شده که علی شریعتی یکی از اعضا آن جمعیت بود) شکل گرفت. آشنایی او با خانم پوران شریعت‌رضوی در دانشکده ادبیات منجر به ازدواج آن دو در سال ۱۳۳۷ می‌شود و پس از چند ماه زندگی مشترک به علت موافقت با بورسیه تحصیلی او در اوایل خردادماه ۱۳۳۸ برای ادامه تحصیل راهی فرانسه می‌شود. در طول دوران تحصیل در اروپا علاوه بر نهضت آزادی‌بخش الجزایر با دیگر نهضت‌های ملی آفریقا و آسیا، آشنایی پیدا کرد و به دنبال افشای شهادت پاتریس لومومبا در ۱۹۶۱ تظاهرات وسیعی از سوی سیاه‌پوستان در مقابل سفارت بلژیک در پاریس سازمان یافته بود که منجر به حمله پلیس و دستگیری عده زیادی از جمله دکتر علی شریعتی شد.

دولت فرانسه که با بررسی وضع سیاسی علی شریعتی، تصمیم به اخراج وی گرفت، اما با حمایت قاضی سوسیالیست دادگاه، مجبور می‌شود اجرای حکم را معوق گذارد. علی شریعتی در سال ۱۹۶۳ با درجه دکتری یونیورسیتیه فارغ‌التحصیل شد و پس از مدتی او به همراه خانواده و سه فرزندش به ایران بازگشت و در مرز بازرگان توسط ماموران ساواک دستگیر شد.

پس از بازگشت از اروپا

پس از پنج سال تحصیل و آموختن و فعالیت سیاسی، در اروپا، بازگشت به فضای راکد و بسته جامعه ایران و آن هم تدریس در دبیرستان بسیار رنج‌آور بود. سال بعد (وی) پس از قبولی در امتحان به‌عنوان کارشناس کتب درسی به تهران منتقل می‌شود و با آقایان برقی و باهنر و دکتر بهشتی که از مسئولان بررسی کتب دینی بودند، همکاری می‌کند. ترجمه کتاب «مسلمان پاک» اثر پروفیسور لوئی ماسینیون حاصل تلاش دکتر علی شریعتی در این دوره است. از سال ۱۳۴۵ دکتر علی شریعتی به استادیار رشته تاریخ در دانشکده مشهد استخدام می‌شود. موضوعات اساسی تدریس دکتر علی شریعتی را می‌توان به چند بخش تقسیم کرد:

تاریخ ایران، تاریخ و تمدن اسلامی و تاریخ تمدن‌های غیراسلامی. از همان آغاز روش تدریس، برخوردش با مقررات متداول در دانشکده و رفتارش با دانشجویان، او را از دیگر استادان متمایز می‌کرد. چاپ کتاب اسلام‌شناسی و موفقیت درس‌های دکتر علی شریعتی در دانشکده مشهد و ایراد سخنرانی‌های او در حسینیه ارشاد در تهران موجب شد که دانشکده‌های دیگر ایران از او تقاضای سخنرانی کنند.

این سخنرانی‌ها از نیمه دوم سال ۱۳۴۷ آغاز شد.

مجموعه این فعالیت‌ها، مسئولان دانشگاه را بر آن داشت که ارتباط دکتر علی شریعتی با دانشجویان را قطع کنند و به کلاس‌های وی که در واقع به جلسات سیاسی - فرهنگی بیشتر شباهت داشت، خاتمه دهند. در پی این کشمکش‌ها و دستور شفاهی ساواک به دانشگاه مشهد، کلاس‌های درس او، از مهرماه ۱۳۵۰، رسماً تعطیل شد. از اواخر آبان‌ماه ۵۱ به‌خاطر سخنرانی‌های ضد رژیم، زندگی مخفی وی آغاز شد و پس از چند ماه زندگی مخفی در مهرماه سال ۵۲ خود را به ساواک معرفی کرد که تا ۱۸ ماه او را در سلول انفرادی زندانی کردند؛ که نهایتاً در اواخر اسفندماه سال ۵۳ او از زندان آزاد می‌شود و بدین ترتیب مهم‌ترین فصل زندگی اجتماعی و سیاسی وی خاتمه می‌یابد.

دکتر علی شریعتی در این دوران که مجبور به خانه‌نشینی بود؛ فرصت یافت تا به فرزندانش توجه بیشتری کند. در سال ۵۵، با فرستادن پسرش (احسان) به خارج از کشور فرصت یافت تا مقدمات برنامه هجرت خود را فراهم کند. دکتر علی شریعتی نهایتاً در روز ۲۶ اردیبهشت سال ۱۳۵۶ از ایران، به مقصد بلژیک هجرت کرد و پس از اقامتی سه روزه در بروکسل عازم انگلستان شد و در منزل یکی از بستگان نزدیک همسر خود اقامت گزید و پس از گذشت یک ماه در ۲۹ خرداد همان سال به نحو مشکوک درگذشت و با مشورت استاد محمدتقی شریعتی و کمک دوستان و یاران او از جمله شهید دکتر چمران و امام موسی صدر در جوار حرم مطهر حضرت زینب(س) در سوریه به خاک سپرده شد.

بازخوانی سه خاطره سینمایی از دکتر علی شریعتی

به بهانه سالگرد درگذشت دکتر علی شریعتی، به بازخوانی خاطرات سینمایی مسعود کیمیایی، عباس شباویز و داریوش ارجمند از علاقه مردمی‌ترین روشنفکر این سرزمین به «قیصر» جریان‌ساز سینمایی

ایران، پرداخته‌ایم.

مسعود کیمیایی: من دکتر «علی شریعتی» را از کتاب و سخنرانی‌هایش می‌شناختم و گاهی با هم در تماس بودیم. برای همین، دیدار من با «دکتر شریعتی» خیلی قبل‌تر از نمایش «قیصر» اتفاق افتاده بود، اما خیلی‌ها این ماجرا را نمی‌دانند. «دکتر شریعتی» را چندین بار دیده بودم، اما شب نمایش «قیصر» بود که از دور ایشان را دیدم و سلام و علیکی کردیم. این که می‌گویند «کیمیایی» هیچ‌وقت «دکتر شریعتی» را ندیده و با او حرف نزده، حرف درستی نیست. یادم هست او «قیصر» و «گاو» را دیده بود و می‌گفت بین این دو، فیلم مورد نظر ما «قیصر» است. چون معتقد بود «قیصر» فیلم «نر» و «پرحرکتی» از کار درآمده است. خیلی هم «قیصر» را دوست داشت و ابراز لطف می‌کرد، اما من هیچ‌وقت درباره این فیلم با او حرف نزدم؛ یعنی هیچ‌وقت فرصتش پیش نیامد. «شریعتی» درباره فیلم با «عباس شباویز» مفصل حرف زده بود و برای او از خوبی‌های فیلم گفته بود. آن‌وقت‌ها، «دکتر» دوستان و مریدانی در «حسینیه ارشاد» داشت که پای حرف‌های او می‌نشستند. من البته همیشه به «حسینیه ارشاد» نمی‌رفتم، اما «شریعتی» را می‌شناختم. از آن جمعی که در «حسینیه ارشاد» پای حرف‌های «دکتر شریعتی» می‌نشستند، آقایان «فخرالدین انوار» و «سیدمحمد بهشتی» و «محمدعلی نجفی» بعدها همگی نخستین مدیران سینمایی بعد از انقلاب شدند. یادم می‌آید آن‌ها، در سال‌های اول دهه ۱۳۵۰، یک‌بار تئاتری را براساس فیلم «رضا موتوری» من آماده کردند و در «حسینیه ارشاد» روی صحنه بردند. البته پایان آن‌را تغییر داده بودند. یک‌روز «دکتر شریعتی» با من تماس گرفت و گفت «اجازه می‌دهی پایان فیلم را در این اجرایی که برای تئاتر می‌کنیم، تغییر بدهیم؟» آن‌ها می‌خواستند جایی را که «عباس قراضه» می‌آید، عوض کنند. به‌هرحال می‌خواستند آن را در «حسینیه ارشاد» اجرا کنند و به‌نظرشان باید تغییراتی در داستان می‌دادند.

من هم مخالفتی با کارشان نکردم. کارگردان آن نمایش به‌نظرم «فخرالدین انوار» بود و باقی، یا روی صحنه بازی می‌کردند، یا این که در پشت صحنه بودند. اما کلاً می‌دانستم که دیدگاه‌های من و «شریعتی» با هم منطبق نیستند. برای همین هم بود که تماس‌های دائمی نداشتیم. هرزگاهی همدیگر را می‌دیدیم و حرف می‌زدیم. اگرچه این اتفاق در شب نمایش «قیصر» نیفتاد که او هم در سینما حاضر بود.

عباس شباویز: «قیصر» که مونتاژ شد دوتا نمایش خصوصی دادم. یکی در سالن کوچک بالای سینما مولن روز بود که دکتر شریعتی را هم دعوت کرده بودم. کسی آنجا او را نمی‌شناخت. من موقع تاریکی سالن دکتر را آوردم و فیلم را دیدم. در حقیقت بدون اینکه کیمیایی بداند، سناریوی قیصر را هم داده بودم و او خوانده بود. نظرش این بود که اگر این فیلم درست ساخته شود تنها فیلمی است که به‌درستی ساخته شده است. تنها فیلمی است که به سیستم نه گفته است. بعد هم که فیلم را دید خیلی خوشش آمد! البته ترتیبی هم داده شد که مسعود کیمیایی و دکتر شریعتی با هم ملاقات داشته باشند ولی کیمیایی سر ملاقات نرفت که نمی‌دانم چرا!

داریوش ارجمند: فیلم «قیصر» را به همراه دکتر شریعتی دیدم. او نظر بسیار مثبتی درباره این فیلم داشت. پس از تماشای فیلم، او در کلاس این مساله را مورد توجه قرار داد و عنوان قیصر را استعاره‌ای از شکست شاه عنوان کرد. وی در ادامه خاطره طنز دیگری از دکتر علی شریعتی بازگو کرد و ادامه داد: دکتر شریعتی با اشاره به صحنه‌ای از فیلم که قیصر پاشنه کفشش را ور می‌کشد، گفت من جورابی مشابه جوراب قیصر دارم که با تصور اینکه مختص بچه خوش‌تیپ‌هاست از پوشیدن آن اجتناب می‌کردم، اما حالا با دیدن اینکه طبقه عام اجتماع هم از این جوراب‌ها می‌پوشد دیگر نگران این شبهه نیستم.



به بهانه نود و یکمین سالروز مامان توران

توصیه‌های توران میرهادی



در ادامه می‌خوانید.

توران میرهادی فعالیت‌های مهمی در زندگی خود انجام داده و آثار با ارزشی از ایشان به‌جای مانده است، همچنین فیلم مستندی از او ساخته شد و بعد از فوت ایشان شورای کتاب کودک راه او را ادامه داد و در بهتر شناخته‌شدن او کمک کرد. شما با ایشان زندگی کردید و او را خیلی خوب می‌شناسید، آیا جنبه‌ای از تفکراتش هست که هنوز ناشناخته مانده باشد؟

مامان توران جنبه‌های زیادی داشت که در مستندهایی که از او ساخته شده، جای نمی‌گیرد. به‌نظرم چیزی که خیلی در مامان توران بود و در همه ما تاثیر می‌گذاشت، این بود که او خیلی مثبت می‌اندیشید و به بدی‌ها فکر نمی‌کرد. به قول معروف نیمه پر لیوان را در نظر می‌گرفت، درباره انسان‌ها بد قضاوت نمی‌کرد. به‌نظرم این دیدگاه خیلی مهم است که انسان ابتدا درباره دیگران قضاوت نکند، بلکه قبل از قضاوت، درباره آدم‌ها فکر کند و خوبی آن‌ها را در نظر بگیرد. یکی از جنبه‌های مهمی که مامان توران داشت، این بود. دو جمله که «صلح را باید از کودکی آموخت» و «غم بزرگ را تبدیل کنیم به کار بزرگ» در بیشتر مستندها دیده شده، اما خوب دیدن انسان‌ها خیلی مهم است.

خانم میرهادی، به «مامان توران» مشهور بود و به اصطلاح مادر خیلی از کودکان ایران است، آیا زمانی بود که شما دوست داشته باشید زمان بیشتری برای شما صرف کند؟

من در کل سال‌هایی که مامان توران با ما زندگی می‌کرد، هیچ‌وقت چنین مشکلی نداشتم و هیچ‌وقت احساس کمبود نمی‌کردم، زیرا مامان توران می‌توانست همه‌چیز را به‌خوبی مدیریت کند، همیشه برای همه‌وقت داشت و هیچ‌وقت من ناراحت نمی‌شدم که چرا زمان زیادی را کار می‌کرد. من مشکلی نداشتم و می‌دانستم مامان توران، مامان توران همه بچه‌ها است.

فرهنگ‌نامه کودکان و نوجوانان پروژه مهمی بود که خانم میرهادی آن را شروع کردند، بعد از فوت ایشان این پروژه در چه وضعیتی قرار دارد؟

قرار است جلد ۱۹ به‌زودی منتشر شود. تا جایی که می‌دانم و یادم هست تا زمانی که مامان توران بود، جلد ۱۶ منتشر شد، جلد ۱۷ و ۱۸ بعد از فوت او منتشر شد و همان‌طور که در صحنه‌های آخر فیلم «توران خانم»، ساخته رخشان بنی‌اعتماد و مجتبی میرطهماسب نشان داده شد، مامان توران، نفس‌نفس‌زنان از پله‌های فرهنگ‌نامه کودکان و نوجوانان بالا می‌آید و به‌جایی می‌رسد که شاید الان خودش حضور نداشته باشد، اما بخشی از خود را در تک‌تک افرادی که در آنجا فعالیت می‌کنند، گذاشته است. وقتی در شورای کتاب کودک هستم، فکر می‌کنم مامان توران هست و کارش ادامه دارد. خوشحالم که همکاران و دوستانش کمک می‌کنند که این فرهنگ‌نامه به سرانجام برسد. البته که فرهنگ‌نامه هیچ‌گاه تمام نمی‌شود، ممکن است تمام جلد‌ها تا حرف «ی» آن منتشر شود، اما روند فرهنگ‌نامه‌های کل جهان این‌گونه است که باید به‌روز شوند و خود را بر اساس جهان امروز دربیابند.

فرهنگ‌نامه کودکان و نوجوانان هیچ‌وقت اسپانسر نداشت و همیشه عشق به کودکان این سرزمین و کمک‌های مردمی بود که باعث ادامه این گام بزرگ و داستان بی‌پایان مامان توران شد تا به سرانجام برسد.

خانم میرهادی یک نفر بودند، اما همفکران و شاگردهای زیادی داشتند. آیا فکری برای کودکان بقیه شهرهای ایران هم داشتند؟

فرهنگ‌نامه برنامه‌ای بود که برای کل کودکان ایران در نظر گرفته شد. اینجا مسئله فقط کودکان نیستند؛ در فرهنگ‌نامه نوشته شده برای کودکان ۱۰ تا ۱۶ سال، اما کودکان کوچک‌تر با کمک والدین و افراد بزرگ‌تر هم از آن استفاده می‌کنند. بسیار شده انسان‌ها برای کمک به ادامه فعالیت فرهنگ‌نامه، هزینه یک دوره را به اعضای فرهنگ‌نامه کمک می‌کنند. گروه ترویجی در فرهنگ‌نامه فعال هستند و این افراد به شهرهای مختلف سفر و کتابخانه‌ها و مدارس را مجهز به فرهنگ‌نامه می‌کنند؛ یعنی فرهنگ‌نامه مامان توران این‌طور نیست که فقط داخل تهران باشد، در سراسر ایران هست. البته ایران آن‌قدر گسترده است که نمی‌دانم با شناختی که افراد مختلف نسبت به مامان توران و فرهنگ‌نامه دارند، آیا به همه قسمت‌های ایران رفته یا نه، اما مسلماً

مامان توران کاری کرده که فقط تهرانی‌ها از آن استفاده نکنند، بلکه همه کودکان در همه شهرها می‌توانند از آن بهره ببرند.

این روزها جامعه جهانی بیش از هر زمان دیگری به مسئله برابری انسان‌ها توجه می‌کند. در ایران علاوه بر مسائل نژادی، فاصله طبقاتی از نظر اقتصادی هم مطرح است. دیدگاه خانم میرهادی درباره این موضوع چگونه بود؟

مامان توران در کتاب‌هایش گفته است که «کودکان خود را در مدارس دولتی ثبت‌نام کنید تا فکر نکنند کودکان خاصی هستند و خود را یکی از همه کودکان بدانند». خودش هم می‌گفتند که همیشه دوست داشتند تابستان‌ها به روستا بروند و با کودکان روستا بازی کنند تا ما با آن‌ها و آن‌ها با ما آشنا شوند. هیچ‌وقت مامان توران فرقی بین انسان‌ها نمی‌گذاشت. یکی از خصوصیات مامان توران این بود که هیچ‌وقت فکر نمی‌کرد با باقی افراد فرق دارد و فکر می‌کنم این را از دوران کودکی از مادرشان یاد گرفته بود.

چه نکته‌ای باقی‌مانده تا در سالروز تولد خانم میرهادی بخواهید به آن اشاره کنید؟

امیدوارم مامان توران و فرهنگ‌نامه‌اش در ایران بیشتر شناخته شود و آموزش و پرورش توجه بیشتر به آن کند، تا جایی که در تمام مدارس فرهنگ‌نامه وجود داشته باشد. اگر فرهنگ‌نامه‌ای وارد مدارس شود، گروه‌های ترویجی از طرف فرهنگ‌نامه کودکان و نوجوانان، برای معرفی فرهنگ‌نامه، به مدارس فرستاده خواهد شد تا کودکان، معلمان و کتابدارها بدانند که چگونه باید از فرهنگ‌نامه استفاده کنند. این‌طور نیست که فقط کتاب فرستاده شود و این روند هیچ هزینه‌ای برای مدارس نخواهد داشت. امیدوارم در آینده آموزش و پرورش کاری کند که فرهنگ‌نامه در کتابخانه تمام مدارس در دسترس باشد تا کودکانی که دوست دارند از این کتاب‌ها استفاده کنند، بتوانند تحقیقات داشته باشند و اطلاعات خود را بالا ببرند، زیرا مسلماً به‌دلیل قیمت بالای فرهنگ‌نامه - که به‌دلیل جنس کاغذ و عدم استفاده از پارانه است - نمی‌تواند در تمام کتابخانه‌های خانه‌ها وجود داشته باشد.

آیا آموزش و پرورش از تجربیات آموزشی خانم میرهادی استفاده کرده است؟ چون ایشان با کودکان طوری رفتار می‌کرد که در آن‌ها حس رقابتی وجود نداشت.

مامان توران وقتی مدرسه فرهاد را داشت، همیشه تجربه‌هایش را به آموزش و پرورش آن سال‌ها می‌داد ولی از وضعیت الان مطلع نیستم، زیرا از زمانی که بازنشسته شد، خودش را وقف فرهنگ‌نامه کرد و تمام فکرش این بود که فرهنگ‌نامه را به سرانجام برساند.

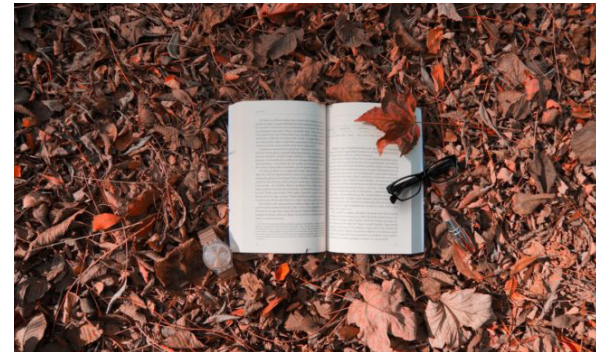
توران میرهادی، استاد بزرگ ادبیات کودکان و موسس شورای کتاب کودک، در ۲۶ خرداد سال ۱۳۰۶ در خانواده‌ای فرهیخته در تهران زاده شد و ۱۸ آبان ۱۳۹۵ فوت کرد. پدر او از دانشجویان اعزامی به خارج از کشور بود و در رشته مهندسی راه و ساختمان و مکانیک در آلمان درس خوانده بود. مادرش آلمانی بود و مجسمه‌سازی و نقاشی می‌کرد. میرهادی افزون بر نقاشی، با موسیقی و ورزش‌های گوناگون نیز آشنایی داشت. پس از پایان دوره دبیرستان در سال ۱۳۲۴ در رشته طبیعی دانشکده علوم به تحصیل پرداخت. در این هنگام، مبارزه با بی‌سوادی در ایران تازه آغاز شده بود و آموزگاران برجسته‌ای همچون جبار باغچه‌بان و محمدباقر هوشیار، جوانان را به کار سوادآموزی فرا می‌خواندند. توران میرهادی از آن‌ها روش سوادآموزی را فراگرفت و با مقوله آموزش و پرورش آشنایی پیدا کرد. با پایان گرفتن جنگ دوم جهانی، در سال ۱۳۲۵ در هنگامه ویرانی و گرسنگی در اروپا، به فرانسه رفت و در رشته روانشناسی تربیتی در «سوربن» و همزمان در رشته آموزش پیش از دبستان و ابتدایی در کالج «سوینه» پاریس درس خواند. بزرگ‌ترین دستاورد این آموزش‌ها، دستیابی به نگرشی نو به آموزش و پرورش کودکان بود.

پس از بازگشت به ایران ازدواج کرد. سپس به‌کار در کودکستان و زبان‌آموزی پرداخت. در سال ۱۳۳۴ به‌نام برادر از دست رفته‌اش، کودکستان فرهاد و بعدها، دبستان و راهنمایی فرهاد را بنیاد کرد. کتاب «جستجو در راه‌ها و روش‌های تربیت» گردآمده‌ای از تجربه‌های او در درازای ۲۵ سال سرپرستی مدرسه فرهاد است. میرهادی در کلاس‌های تربیت مربی کودک در شهرهای مشهد، تبریز، رشت و تهران درس می‌داد و با «اداره مطالعات و برنامه‌های وزارت آموزش و پرورش» و «سازمان کتاب‌های درسی» در زمینه آزمایش کتاب‌های درسی نو در مدرسه فرهاد و تدوین کتاب‌های درسی و برنامه‌ریزی درسی دوره ابتدایی همکاری داشت.

با یاری مجله «سپیده فردا» و با شرکت فعال توران میرهادی، سه نمایشگاه از کتاب‌های کودکان در سال‌های ۱۳۳۵، ۱۳۳۷ و ۱۳۳۹ برگزار شد. به گزارش موسسه پژوهشی تاریخ ادبیات کودکان، در پی برگزاری این نمایشگاه‌ها، شورای کتاب کودک با تلاش توران میرهادی و همفکران او، برای گسترش و پیشبرد هرچه بیشتر امر ادبیات کودکان در سال ۱۳۴۱ تاسیس شد. توران میرهادی همچنین بنیان‌گذار و مسئول طرح فرهنگ‌نامه کودکان و نوجوانان، اولین کتاب مرجع ایرانی برای کودکان و نوجوانان است.

به بهانه سالروز تولد توران میرهادی، خبرنگار ایرناپلاس گفت‌وگویی با سارا میرفخرایی، نوه او که عضو شورای کتاب هم هست، انجام داد که





همین چند لحظه آخر



آلبوم را ورق می‌زدی، چند لحظه به عکسش خیره می‌شدی. عکس را از آلبوم درمی‌آوری و مجاله‌اش می‌کنی و داخل شومینه‌ای که آتشش رو به خاموشی رفته است می‌اندازی. اتاق ناگهان روشن می‌شود آن‌طور که گرمای کم‌دوامی را احساس می‌کنی. سایه‌ات روی دیوار اتاق تاریک جان می‌گیرد. دوباره ورق می‌زنی، عکس را بیرون می‌کنی، درست مقابل چشمانت می‌گیری. دست سوزانت را به‌طرف طاقچه کوتاه کنارت دراز می‌کنی، عینکت را برمی‌داری و جلو دهانت می‌بری، هامی‌کنی شیشه‌هایش را. با گوشه پیراهنت بخارش را پاک می‌کنی، روی چشمانت می‌گذاری. به عکس دو نفره خیره می‌شوی، دستت را در دست‌هایش قفل کرده بودی،

به ته ریش به رنگ شبت زل می‌زنی. اتاق سرد می‌شود و آرام سایه‌ات از روی دیوار ناپدید می‌شود. عکس را بالا می‌آوری و به لب‌هایت نزدیک می‌کنی، بخار دهانت بر روی عکس می‌نشیند، انگار کسی به زور دستت را پایین می‌کشد و عکس را داخل شومینه می‌اندازی. گرمای بی‌جان را حس می‌کنی و باز هم سایه‌ات خودش را به روی دیوار می‌کوباند. روی صندلی بلند می‌شوی جلو آئینه می‌ایستی، در تاریکی اتاق صورت سایه روشت را می‌بینی. موهای سفیدت و ریش بلند و به رنگ برفت را... دست‌های لرزانت را روی ریشت می‌کشی. لب‌هایت را تکان می‌دهی انگار چیزی را زمزمه می‌کنی. چشمت به گرامافون گوشه اتاق می‌افتد به طرفش می‌روی. صفحه خاک خورده‌ای را از داخل جعبه‌اش بیرون می‌کنی، روی گرامافون می‌گذاری، صدای دلنشین در فضای ساکت و سرد اتاق می‌پیچد. سردت شده، سرت را برمی‌گردانی، باز هم چشمت به قاب عکس روی طاقچه می‌افتد. به‌طرفش می‌روی، قاب عکس را برمی‌داری و به چشمانش زل می‌زنی، عینکت را می‌زنی و قاب را داخل شومینه می‌اندازی. اتاق دوباره روشن می‌شود، حس می‌کنی سایه‌ات از بدنت جدا شده و روی دیوار می‌دود. قطره اشکی از گوشه چشمت روی گونه‌ات سرازیر می‌شود. آتش شومینه رو به خاموشی می‌رود و از روی دیوار کمرنگ و کمرنگ‌تر می‌شوی. عینکت را از روی چشم‌هایت برمی‌داری و به دور و برت خوب نگاه می‌کنی. به خاکستری که توی شومینه راه افتاده، زل می‌زنی شاید همین چند لحظه آخر خیلی آدم‌ها از جلوی چشم‌هایت افتادند.

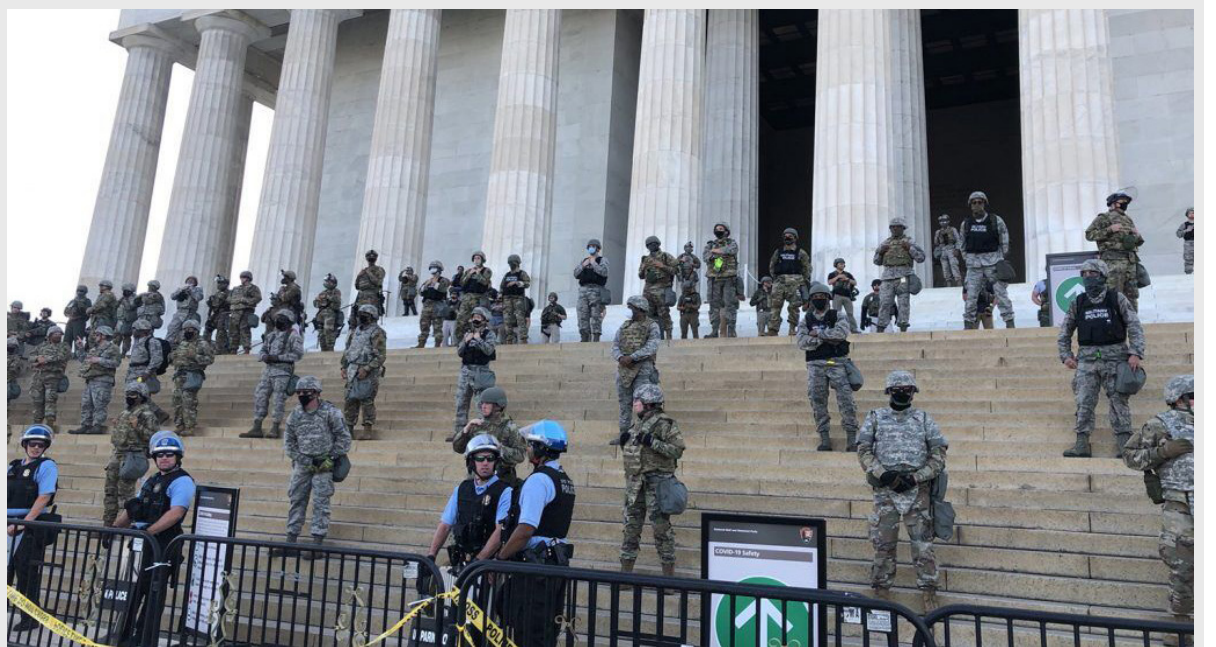
شال رنگی‌اش را دور گردنش پیچیده بود، تارهای سفید در انبوه موهای سیاه و چروک‌هایی که مانند ریشه‌های نازک گیاهی اطراف لبش خودنمایی می‌کردند را نظاره می‌کردی. مژه‌های خیس را روی هم می‌گذاری و آخرین لحظاتی را که در کنارش ایستاده بودی را به یاد می‌آوری. موهای ریخته‌شده روی پیشانی‌اش را کنار می‌زدی و او در حالی که پاشنه کفشش را مدام به زمین می‌کوبید با حالتی عبوس و گرفته آرام و جدی گفت: فکر می‌کنم ازدواج من با تو عمل خودخواهانه‌ای باشه. به محض شنیدن این حرف، سردی را درون تک‌تک سلول‌هایت حس می‌کردی. سپس گفتی: منظور چیست؟ من همسر مناسبی برای تو نیستم، اختلاف سنی ما زیاد و من نمی‌تونم شریک و همدم خوبی برای تو باشم. تو باید منتظر می‌شدی با زنی هم سن و سال خودت ازدواج کنی نه با یکی مثل من که نیمی از عمرش را پشت سر گذاشته. برای چند ثانیه چیزی نگفتی بعد به او خیره شدی و گفتی: چرا قبلاً در این مورد حرفی نزدی؟ مگه تو قول ندادی؟ من قولی برای موندن ندادم، به آینده این رابطه خوشبین نیستم، فکر اینکه من هر روز موهایم سفید و سفیدتر بشه و تو بعد از یک عمر رو به روی یک پیره زنی ایستاده باشی و تک‌تک ثانیه‌های جوانیت را هدر داده باشی آزارم نمیده. - حتماً که نباید قول داد، گفتن بعضی حرف‌ها مسئولیت میاره بعضی حرف‌ها تا آخر عمر پای ما آدما نوشته میشه. صدای خرد شدن برگ‌های زیر پایش را می‌شنیدی و از پشت سر نظاره‌گر رفتنش می‌شدی. چشمانت را باز می‌کنی و بی‌اختیار انگشتت را روی صورتش می‌کشی. به عکس خودت که کنارش ایستاده بودی، نگاه می‌کنی به موهای سیاهت و

نگاهی به تحولات ایالات متحده در آستانه انتخابات ریاست جمهوری

ترامپ باعث فروپاشی آمریکامی‌شود؟

حسین عباسی‌نسب: برخی تحلیل‌گران مسائل داخلی آمریکا، رویکرد، سیاست‌ها و سخنان «دونالد ترامپ» را عاملی برای افزایش شکاف سیاسی و اجتماعی در این کشور می‌بینند و می‌گویند تداوم این وضعیت موجب آسیب‌های عمیق‌تر بر پیکر آمریکا می‌شود. وضعیت شگفت‌آور و سرگردان‌کننده‌ای در ایالات متحده برقرار شده است. شرایط به گونه‌ای است که انسان تصور می‌کند در حال تماشای یک داستان تخیلی است. ابرقدرتی که در دو دهه گذشته بی‌رقیب در بسیاری از عرصه‌های بین‌المللی پیش می‌رفت و تقریباً هر اقدام دلخواه خود را بر دیگران تحمیل می‌کرد اکنون به فلاکتی افتاده که حتی

برخی تحلیل‌گران فروپاشی و تجزیه این کشور را محتمل می‌دانند. اگر مهم‌ترین دلیل فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی را ناتوانی اقتصادی در کنار تعهدات خارجی و برخی زمینه‌چینی‌های کاخ سفید به‌عنوان مهم‌ترین رقیب مسکو بدانیم، ایالات متحده بدون داشتن هیچ رقیب و دشمن جدی در خارج با موانع و چالش‌های داخلی خود یعنی رییس‌جمهوری، جامعه طبقه‌بندی‌شده در کنار احساسات سرکوب‌شده ناشی از خط‌مشی‌های سردمداران واشنگتن روبرو شده که در حال به زانو درآوردن این کشور است. تارنمای اندیشکده «شورای آتلانتیک» (Atlantic Council) در



تحلیلی از شرایط در ایالات متحده آورده است یکی از مهم‌ترین مسائل در تحولات چند هفته اخیر استفاده از نیروهای نظامی و ارتش برای خاموش کردن اعتراضات بود. به دستور رییس‌جمهوری آمریکا حتی نیروهای مسلح آمریکا در مقابل بنای یادبود «آبراهام لینکلن» در واشنگتن آماده سرکوب اعتراضات پس از مرگ یک سیاه‌پوست به‌دست پلیس سفیدپوست بودند. قتل «جورج فلویید» گناه اصلی ایالات متحده یعنی برده‌داری را به‌یاد مردم این کشور آورد و متذکر شد که هنوز یک جمهوری سفیدپوست قدرت خود را از طریق خشونت اعمال می‌کند. **ترامپ متوجه عمق بحران نیست** در همه ایالت‌های آمریکا اعتراض به ساختارهای تبعیض‌آمیز کاخ سفید همه گروه‌های نژادی و حتی سفیدپوستان را هم به خیابان‌ها آورده‌است؛ در برخی ایالت‌ها زمزمه‌های استقلال بسیار پررنگ شده است. هراس از عمیق‌شدن بحران و تجزیه ایالات متحده باعث شد تا دونالد ترامپ از ارتش و نیروهای گارد ملی برای سرکوب معترضان کمک بخواهد و همین امر به تعمیق بحران و حتی مخالفت برخی اعضای دولت و چهره‌های سیاسی منجر شده است. بسیاری از تحلیل‌ها، رویکرد ترامپ به تحولات را یکی از دلایل مهم در افزایش خشونت‌ها و بحران می‌دانند. نشریه «فارین پالیسی» دستور دونالد ترامپ به نیروهای ارتش برای سرکوب اعتراضات را لحظه‌ای حیرت‌انگیز دانست که نشان داد وی به‌عنوان رییس‌جمهوری قادر نیست واکنش درستی به تحولات نشان دهد و همین موضوع باعث تشدید خشونت‌ها شد. در نگاه اول ترامپ یکی از سطحی‌ترین و ساده‌ترین ابزار همدردی‌ها را در مورد مرگ فلویید ابراز داشت. وی در سخنان خود هیچ‌گاه به عوامل ریشه‌ای و زمینه‌ساز این ناآرامی‌ها نپرداخته است. ترامپ در مورد نژادپرستی نظام‌مند و نابرابری‌ها، بی‌احترامی و بی‌عدالتی تاریخی علیه رنگین‌پوستان در این کشور چیزی نگفته است. همه این عوامل به مدت چند قرن در جامعه آمریکا حکاک می‌شده به گونه‌ای که برتری نژاد سفید بر دیگران نهادینه شده است. در گام بعدی ترامپ به افرادی که در این اعتراضات حضور داشتند عنوان تروریست و دشمن داد و همین موضوع را به‌عنوان توجیهی در بکارگیری ارتش عنوان کرد. برخی اعضای دولت ترامپ هم از واژه فضای جنگی در آمریکا استفاده کردند. این اقدامات به‌صورت تلویحی چنین دیدگاهی را به همگان نشان داد که دولت، معترضان به‌ویژه شهروندان رنگین‌پوست را دشمن می‌داند و برای نابودی‌شان همچون

زلزله و بحران آتش سوزی در کشور



استاد دانشگاه
فرویز ناطقی‌الهی

آتش‌سوزی انبار پتروشیمی تخت جمشید ماهشهر خوشبختانه مهار شد؛ براساس توضیحات رییس روابط عمومی پتروشیمی تخت جمشید ماهشهر: «آتش‌سوزی انبار ضایعات این پتروشیمی بدون هیچ‌گونه تلفاتی به‌طور کامل خاموش شد».

لازم دیدم این یادداشت را از یکی از مهم‌ترین تهدیدات ثانویه که امکان تبدیل شدن به بحران‌های وسیع بعد از بحران‌های اصلی را دارد به‌طور بکشم. این روزها هم متاسفانه با آتش‌سوزی‌ها در کشور بسیار روبرو هستیم. مهم این نیست که حوادث رخ دهند سپس ما با انرژی بسیار زیاد، هزینه‌های کلان و تلفات و ضایعات زیاد نسبت به مدیریت آن اقدام کنیم، عاقلانه آن است که سال‌ها قبل از ایجاد شرایط بحران‌ساز، آن‌ها را شناسایی و برای مواجهه با آن‌ها برنامه تهیه، آماده و در قالب مانورهای میدانی تمرین کنیم.

در سال ۱۳۹۵ یعنی چهار سال پیش زمانی که هنوز آتش‌سوزی‌ها در کشور به حد امروز نرسیده بود، با توجه به بررسی‌های میدانی و نگرانی از پدیده همزمان زلزله و آتش‌سوزی، مطالبی را در یادداشت‌های مختلف از جمله این خبر نوشتیم: چرا این روزها پتروشیمی‌ها ناگهان می‌سوزند؟

با بررسی تاسیسات نفتی، انبارهای مواد شیمیایی پراکنده در سطح شهر تهران بزرگ و صنایع کوچک محصور در تهران و حومه، بررسی آماری، چند سوال مهم را در رابطه با زلزله و آتش‌سوزی که به آن‌ها امروزه (Multi-Hazards) و یا اثر متقابل سوانح بر روی هم و مهم‌تر از همه، اثرات مخرب شدید رخداد همزمان آن‌ها بر نظام مدیریتی جامعه در منابع گفته می‌شود را مطالعه کرده و به یک جمع‌بندی کلان از آن رسیدیم.

آن جمع‌بندی این بود که ما در بحث یادشده عملاً فاقد برنامه، فاقد

سیستم آموزش، فاقد توانایی مقابله و در حقیقت بسیار آسیب‌پذیر هستیم. با مراجعه به یادداشت اینجانب به‌خوبی می‌توان ریز بررسی‌ها و نتایج حاصله و پیشنهادهای اجرایی برای رویارویی با این ضعف‌ها را مطالعه کرد، پس راه‌های برنامه‌ریزی و مقابله را به‌خوبی می‌شناسیم!

متاسفانه امسال شاهد آتش‌سوزی‌ها در مناطق زیادی از کشور بودیم، حتی پارک‌ها در داخل شهرها و بوستان‌ها! عمدی یا غیرعمدی؟ که حقیقتاً تئوری خطر فراگیر آتش‌سوزی را در شهرها و کل کشور بیش



از پیش جدی‌تر به تصویر می‌کشد. حال که آتش‌سوزی‌های موردی در داخل بوستان‌ها یا بازار یا انبارهای داخل شهر امکان وقوع دارد! لذا توجه به صنایع کوچک درون شهری که مقادیر زیادی مواد شیمیایی و سمی در انبارهایشان دارند و عملاً بدون زلزله هم به‌دلیل هوای گرم یا... هر منبع اشتعال‌زای دیگری امکان شعله‌ور شدن آن‌ها وجود دارد، توجه به پدیده آتش‌سوزی، مواد شیمیایی، سمی و زلزله را در سطح شهرها جدا الزامی می‌کند.

کفایت می‌کند، بوستانی در مجاورت انباری حاوی مواد قابل اشتعال آتش گرفته و با توجه به سیستم گازرسانی تبدیل به یک بحران محله‌ای یا حتی بزرگ‌تر شود. در زمان زلزله هم بدون شک با تخریب دیوارها که عموماً پشت آن‌ها از بیرون نیز علمک باریکی و در داخل کنتور برقی آماده جرقه نصب و در اثر بار دیوارها و آوارها تخریب و در نتیجه بر هر واحد مسکونی یا تجاری یا مغازه شعله‌ای از آتش خواهیم داشت تا تخلیه شبکه محلی رخ دهد البته اگر شیرهای اتوماتیک قطع‌کننده ایستگاه‌های پمپاژ به‌درستی عمل کنند!

شرایط فعلی رضایت‌بخش نیست، اما می‌توان با یک برنامه‌ریزی منطقی شهری در یک دوره زمانی کوتاه تا میان‌مدت این تهدید را به حداقل رساند. برای جنگل‌ها و دشت‌ها و... هم با توجه به اینکه می‌دانیم فصل گرما در راه است دو ماه قبل از شروع آن، اقدامات لازم که در هر کتابی مکتوب است را می‌توان در دستور کار قرار داد و منتظر آتش‌سوزی نماند! آموزش همگانی هم چند ماه قبل از فصل گرما برای آن‌هایی که خدای‌ناکرده بدون توجه به اهمیت طبیعت ناخواسته موجب آتش‌سوزی می‌شوند، بسیار تاکید می‌شود.



پوستان آمریکایی و حملات مکرر علیه چهره‌های غیرسفیدپوست در این کشور همچون «باراک اوباما» به همگان اثبات کرد آمریکا کشوری نیست که بر پایه یک‌سری ارزش‌های مشترک بنا شده باشد و هنوز آمریکا یک جمهوری سفیدپوست است. از این‌رو مردم تلاش دارند به زور این سلطه را درهم بشکنند. چنین طرز فکری در رویکرد سیاست خارجی ترامپ هم نهفته است. مقایسه نحوه رفتار با رهبران روسیه، چین، عربستان سعودی و کره شمالی با سران دیگر کشورها همین نکته را نشان می‌دهد.

جمع کثیری از مردم آمریکا از هر دو حزب بیانیه‌های «جورج بوش» و «جو بایدن» در مورد اعتراض‌های اخیر را مشابه می‌دانند، زیرا اعتقاد دارند ریشه در ارزش‌های بنیادین آمریکا دارد. دوستان خارجی ایالات متحده نیز از خبرهای آمریکا وحشت می‌کنند و انتظار دارند شرایط تغییر کند، اما به اعتقاد تحلیل‌گران این امر منوط به تغییر بنیادین دیدگاه‌ها در کاخ سفید و ریاست‌جمهوری این کشور است.

و نشانه‌های سلامت دموکراسی در آمریکا ارزیابی و پیش‌بینی کرد و افزود: شاید دونالد ترامپ مشکل اصلی باشد و وقتی که برود زندگی عمومی مردم به روند عادی بازگردد، اما این احتمال هم وجود دارد که کشور ۳۰۰ میلیون نفری ایالات متحده در حال نزدیک شدن به مرزهای نهبی خود در زمینه حاکمیت است.

بنا بر تحلیل اندیشکده «شورای آتلانتیک»، ارتش، روبروی مجسمه فردی در واشنگتن ایستاد که معتقد بود همه با هم برابرند و همین امر یعنی تلاش برای حق رای آفریقایی‌تبارها موجب ترور وی شد. اما ناکارآمدی رییس‌جمهوری فعلی در مقابل مرگ فلوید و پیامدهای آن از یک موضوع سرچشمه می‌گیرد و آن هم نبود درک صحیح از شخصیت آمریکا به‌عنوان یک ملت با ارزش‌ها و خون مشترک در ذهن رییس‌جمهوری این کشور است.

طبق تحلیل این اتاق فکر آمریکایی، اظهارات رادیکال و نژادپرستانه ترامپ به‌ویژه در دوره رقابت‌های انتخاباتی سال ۲۰۱۶ علیه رنگین

تروریست‌ها با آن‌ها برخورد می‌کند. جالب اینجا است هفته گذشته در حالی که ترامپ خود را همراه با خواست معترضان مسالمت‌جو عنوان می‌کرد، صدها نیروی پلیس با امکانات کامل، کمی آن طرف‌تر معترضان را سرکوب می‌کردند. حتی نیروهای ضدشورش افرادی را که در اعتراضات نقشی نداشتند هم مورد حمله قرار دادند تا اطراف محل حضور و سخنرانی ترامپ را آرام نگاه دارند.

به‌نوشته نشریه فوق، روزهای گذشته برای ایالات متحده روزهای حساسی بود، اما دونالد ترامپ نتوانست حس رهبری صحیح یک جامعه را به افکار عمومی منتقل کند.

شاید با نبود ترامپ اوضاع درست شود

برای برخی تحلیل‌گران آمریکایی وقوع چنین تحولاتی قابل پیش‌بینی بود. تارنمای نشریه «بوستون گلاب» مدت‌ها قبل در گزارشی رویدادهایی را پیش‌بینی کرد؛ این گزارش، همان زمان به مخاطبان خود عنوان داشت این‌ها تخیلات نیستند و اتفاقاتی هستند که در آینده رخ می‌دهد و تحولاتی همچون موضوع اسپانیا و استقلال طلبی ایالت کاتالونیا در ایالات متحده رخ می‌دهد. به‌نظر می‌رسد اگر خواسته‌های تجزیه‌طلبانه در یکی از ایالت‌های آمریکا با موفقیت به نتیجه برسد، دومینوی سقوط ایالات رقم خواهد خورد.

این تحلیل، ریاست‌جمهوری ترامپ را دوره‌ای غیرقابل پیش‌بینی و بی‌نظیری ارزیابی کرد، زیرا حتی دولتمردان در واشنگتن هم نقش همیشگی خود در مورد حفظ انسجام کشور را رها کرده‌اند. رییس‌جمهوری به مسائل نژادی دامن می‌زند و بسیاری از قضات فدرال هم هنوز دیدگاه‌های منسوخ خود را رها نکرده‌اند.

این گزارش سه سال قبل پیش‌بینی کرد اقدامات و سیاست‌های دونالد ترامپ موجب می‌شود تا ایالت‌ها به‌تدریج در رابطه خود با واشنگتن تجدیدنظر کنند. آن‌ها بیشتر ترجیح می‌دهند تا به‌صورت انفرادی حرکت کنند. البته این نشریه تحلیل خود را برای دوره پس از سال ۲۰۲۰ و انتخاب دوباره دونالد ترامپ بیان کرده بود، اما گویا بخشی از پیش‌بینی‌ها زودتر در حال وقوع است.

طبق این تحلیل به احتمال زیاد شروع این روند با یک بخش یا ایالت کوچک رقم نخواهد خورد، بلکه از کالیفرنیا شروع می‌شود و در این صوت دیگر نشانی از جمهوری در این کشور وجود نخواهد داشت. تحلیل‌گر بوستون گلاب مقاومت عمومی در برابر ترامپ را یکی از مزایا

فرهنگی و اجتماعی در جامعه اسلامی فراهم شود. در این میان دوران حیات امام جعفر صادق(ع) دوران تعارض و درگیری اندیشه‌ها در جهان اسلام بود. بی‌تردید اگر مجاهدت‌ها و تلاش‌های امام صادق(ع) در مواجهه و برخورد با این اندیشه‌ها نبود، چه بسا اندیشه اصیل اسلامی به بیراهه می‌رفت.

امام جعفر صادق(ع)، وارث علوم رسالت

۲۵ شوال، روزی است که صادق آل محمد و خورشید تابناک شهر دانش و وارث علوم رسالت، چشم از جهان فرو بست. در این روز امام جعفر صادق(ع) با دسیسه منصور دوانیقی دومین خلیفه عباسی، مسموم شد و به شهادت رسید. امام صادق(ع) در دورانی می‌زیست که عصر برخورد مکتب‌ها و تضارب افکار مختلف فلسفی و کلامی بود. این دوران حاصل مواجهه فکری امت اسلام با مردم کشورهای فتح‌شده و نیز گسترش ارتباط تمدن اسلامی با دنیای خارج بود. دورانی که در مسلمانان شور و هیجان خاصی برای پژوهش و یادگیری علوم پدید آمده بود. این امام همام تا ۱۲ سالگی از خرمن دانش جد بزرگوارش امام زین‌العابدین(ع) خوشه‌چینی کرد. امام صادق(ع) پس از رحلت ایشان، مدت ۱۹ سال نیز در کنار پدر بزرگوارش امام محمدباقر(ع) زندگی کرد. به این ترتیب امام صادق(ع) با بهره‌مندی از محضر جد و پدر بزرگوارش که هر یک از آنان در زمان خویش حجت خدا و عالم‌ترین مردم روزگار بودند به حد کمال علم، فضل و ادب رسید.

عصر امام جعفر صادق(ع)

عصر امام جعفر صادق(ع) یکی از طوفانی‌ترین دوره‌های تاریخ اسلام است. در این دوران، قیام‌ها و انقلاب‌های پیاپی گروه‌های مختلف، به‌ویژه از طرف خون‌خواهان امام حسین(ع) به‌وقوع پیوست. همین انقلاب‌ها به انتقال حکومت بنی‌امیه به بنی‌عباس منجر شد. از طرف دیگر دوره آن حضرت(ع) عصر برخورد اندیشه‌ها و پیدایش فرقه‌ها و مذاهب مختلف بود، به‌خصوص ورود عقاید و آرای اهل کتاب و دانشمندان یونانی، شبهات و اشکالات گوناگونی را در میان مردم رایج کرده بود. در آن زمان، فرقه‌های متعددی پدید آمده بودند که عقاید و آراء خود را درباره اصول و فروع دین ابراز می‌کردند. افزون بر آن در زمینه هر یک از شاخه‌های علوم اسلامی نیز در میان کارشناسان آن علم، اختلاف نظر وجود داشت.



به بهانه شهادت امام جعفر صادق(ع)

پایه‌گذار نهضت دانش محور

و تحقق‌گویی درست از تبلیغ اسلامی و فرهنگ‌سازی اجتماعی باید به تبیین هر چه بیشتر سیره شخصیتی و تبلیغی ائمه اطهار(ع) و شیوه‌های ارتباط آن‌ها با مخاطبان و گروه‌های اجتماعی پرداخت تا از این راه زمینه و بستر لازم برای تحقق‌گویی هدفمند و کارآمد از سیاست‌گذاری

بی‌تردید، یکی از مهم‌ترین و برجسته‌ترین وجوه و ابعاد شخصیتی اهل بیت(ع) سیره تبلیغی آن‌ها است. نگرش مسلمانان به‌خصوص شیعیان درباره آنان به‌عنوان الگو و نمونه، مستلزم بررسی دقیق و موشکافانه از زندگی آن بزرگواران بوده است. از این‌رو برای رسیدن به جامعه آرمانی

پناهگاهی برای روزهای تنهایی

با ما حرف بزن!

۲۲ فروردین‌ماه امسال، در پیامکی از شهروندان خواسته شده بود در صورت مشاهده یا مواجهه با موارد کودک‌آزاری و همسر آزاری در ایام قرنطینه ناشی از کرونا، برای دریافت خدمات اجتماعی - روانی به‌صورت رایگان و شبانه‌روزی با شماره تلفن ۱۲۳ اورژانس اجتماعی سازمان بهزیستی کشور تماس بگیرند. حالا در ادامه این طرح‌ها، پویش «با ما حرف بزن» یا مشاوره تلفنی ۱۴۸۰، طرحی از خدمات رایگان سازمان بهزیستی است که با تلفن تماس ۱۴۸۰ از ساعت ۸ صبح تا ۱۲ شب، در سراسر کشور پاسخگوی شهروندان است.

مدیرکل بهزیستی گیلان درباره این پویش گفته است: صدای مشاور سازمان بهزیستی با ارائه خدمات تخصصی مشاوره روان‌شناختی در کنار شماسست. حسین نحوی‌نژاد توضیح داده که در این خدمت، افرادی که مشکلی را در زمینه‌های خانوادگی، روانی، شغلی، تحصیلی و... دارند با شماره تلفن ۱۴۸۰ تماس می‌گیرند و مشاوران و روان‌شناسان آموزش‌دیده با استفاده از فنون و مهارت‌های مشاوره تلفنی بدون اینکه اصراری برای شناسایی فرد داشته باشند، به فرد خدمات مشاوره ارائه می‌دهند. این خدمت توسط دفتر مشاوره و خدمات روان‌شناختی انجام می‌شود.

نحوی‌نژاد اضافه کرده: جهت کاهش استرس و اضطراب ناشی از خودبیمارانگاری، وسواس شستشو، بیان علائم افسردگی و... هموطنان از بیماری کرونا و کاهش خروج مردم از منزل، سامانه تلفنی ۱۴۸۰ سازمان بهزیستی هم‌روزه از ساعت ۸ تا ۲۴ به‌صورت رایگان مشاوره روان‌شناسی می‌دهد.

پویشی برای بهبود روابط خانوادگی، فضای روانی و انسجام اجتماعی همچنین معصومه ابتکار هم‌زمان در حساب توییتر خود با انتشار



وجود دارد و امنیت آن‌ها را در خشونت‌ورزی به‌خطر می‌اندازد.

استقبال ۲۰۰۰ نفری از پویش «با ما حرف بزن»

این روش که هم‌اکنون به‌طور گسترده‌ای مورد استقبال مردم قرار گرفته است، با به‌کارگیری ظرفیت‌های موجود در شبکه‌های اجتماعی و پیام‌رسان‌های پرطرفدار به‌منظور بالابردن آگاهی عمومی می‌تواند بیش از این اثرگذاری خود را نشان دهد. دیروز معاون پیشگیری بهزیستی گیلان گفت: با اجرای پویش «با ما حرف بزن» از روز گذشته تاکنون ۲۲۶۱ تماس موفق با شماره ۱۴۸۰ در این استان انجام گرفت. فرحناز نوبخت‌راد گفته است: ۷۰ درصد این تماس‌ها مربوط به مشکلات روان‌شناختی بوده و بقیه سوالات متفرقه و مشکلات مددجویی را شامل می‌شود.

در ارتباط با این موضوع و میزان استقبال و اثرگذاری آن از شهروندانی که تاکنون از این سامانه استفاده کرده‌اند، پرسیدیم؛ «سیمین» ۴۰

تصویر این پیامک نوشت: در ادامه حمایت معاونت ریاست‌جمهوری در امور زنان و خانواده از خدمات اورژانس اجتماعی (۱۲۳) و خط مشاور ۱۴۸۰، امروز پیامک دوم برای کمک به روابط خانوادگی و بهبود فضای روانی و انسجام اجتماعی ارسال شد.

معاون رییس‌جمهوری در امور زنان و خانواده درباره پیامکی که برای افراد فرستاده شده، گفت: در مسئله خشونت در خانواده، سازوکارهای خوبی در سازمان بهزیستی کشور وجود دارد و این سازوکارها به‌دلیل اثربخشی مورد حمایت معاونت امور زنان و خانواده است. معاون رییس‌جمهور افزود: از سه زاویه باید این تاثیر مهم را دید. اول، فردی که گرفتار آسیب بوده و با اطلاع از وجود ۱۲۳ متوجه می‌شود پناهگاهی دارد. دوم، کسی که شاهد ماجراست و به‌نوعی در جریان خشونت قرار می‌گیرد، به مسئولیت انسانی و شرعی خود در قبال حفاظت از جان انسان‌ها، فکر و عمل می‌کند. سوم، خطاکاران متوجه می‌شوند ابزاری

مشابه شرایط اجتماعی و فرهنگی آن دوران در زمان دیگر امامان فراهم نبود، زیرا آن دوران از نظر سیاسی، دوره ضعف و تزلزل حکومت بنی امیه و فزونی قدرت بنی عباس بود و این دو گروه مدتی در حال کشمکش و مبارزه با یکدیگر بودند. بنابراین حکام فرصت ایجاد فشار و مضیقه علیه امام(ع) و مردم را کمتر داشتند. از همین جهت، فضای مناسبی برای تعالی جامعه اسلامی مهیا شد که از لحاظ گسترش فضای علمی و اقتصادی نسبت به دوران قبل و بعد خود بی نظیر بود، اما زمانی که حکام بنی عباس به قدرت رسیدند و مخالفان خود را سرکوب کردند، شدیدترین فشارها بر اهل بیت(ع) و دوستداران آن‌ها وارد شد. وضع به حدی خفقان آور و خطرناک بود که بعضی از باران نزدیک امام(ع) را به شکنجه و مرگ تهدید می کردند، چنان که نخبه‌هایشان جزو لیست سیاه بنی عباس بودند.

نهضت علمی امام صادق(ع)؛ اسلامی و کاربردی

نهضت علمی امام صادق(ع) از یک طرف نهضت اسلامی است و ریشه در معارف اسلامی و آموزه‌های وحیانی دارد، چنان که می بینیم استناد به قرآن یکی از خصوصیات بارز امام صادق(ع) در تعلیم و گسترش علم و از طرف دیگر کاربردی است و متوجه نیازهای مختلف زندگی بشری است. مطالب علمی همه ریشه قرآنی و دینی دارند و منابع دینی قابلیت مدیریت، سازماندهی و پشتیبانی دانش را دارد. امام صادق(ع) در این زمینه می فرمایند: «خداوند در قرآن، بیان هر چیزی را نازل کرده است. به خدا قسم هیچ چیزی را که بندگان به آن نیازمندند، فروگذار نکرده و برای مردم بیان فرموده است.» به نظر امام جعفر صادق(ع)، جوامع همواره در پویایی به سر می برند و نیازها و مسائل آن‌ها دگرگون و نو می شود؛ از این رو نهضت تولید علم نیز باید پویا باشد تا بتواند با توجه به مقتضیات زمان و مکان و نیازهای متغیر انسان اثربخش شود.

بنابراین می توان نتیجه گرفت که از نظر امام(ع) نهضت علمی می بایست بر دو پایه تعبد و تعقل باشد. پیام روایت‌های امام صادق(ع) این است که عالم شیعی فراتر از تاریخ باید با رعایت اندیشه‌های عقلانی حاکم بر مساله مورد نظر چون اعتدال، رعایت مصالح و مفاسد و پرهیز از افراط و تفریط، تصلب و جمود به پاسخ‌گویی، تولید فکر بر مبنای صحیح و مقابله با افکار و اندیشه‌های منحرف بپردازد.



شهر طوس به داروفروشی مشغول بود که به‌وسیله طرفداران بنی امیه به قتل رسید. جابر بن حیان پس از قتل پدرش به مدینه آمد. ابتدا در نزد امام محمدباقر(ع) و سپس نزد امام صادق(ع) شاگردی کرد. جابر از افراد عجیب روزگار خود و از نواع جهان اسلام است. او در تمام علوم و فنون مخصوصاً در علم شیمی تالیفات زیادی دارد و در رساله‌های خود همه جا نقل می کند که جعفر بن محمد صادق(ع) به من چنین گفت یا تعلیم داد یا حدیث گفت.

در میان امامان از نسل پیامبر، عصر امام صادق(ع) منحصر به فرد بود.

به‌عنوان مثال در علوم قرائت قرآن، تفسیر، حدیث، فقه و علم کلام؛ بحث‌ها و مناقشات داغی درمی گرفت و هر شخص به‌نحوی نظر می داد و از عقیده‌ای طرفداری می کرد. عده‌ای از دانشمندان غیرمسلمان نیز آزادانه در میان مسلمانان رفت و آمد می کردند و با علمای مسلمان به بحث و گفت‌وگو می نشستند. آنان شبهاتی درباره مبدا و معاد و نبوت و دیگر اندیشه‌های مذهبی مطرح می کردند که بررسی یا رد بعضی از آن‌ها چندان آسان نبود. در این دوره هرگونه سستی و کوتاهی موجب تضعیف دین و کاهش اعتماد مردم به تعالیم سازنده اسلام می شد. در آن شرایط امام صادق(ع) در صدد نجات توده‌های مردم از الحاد، بی دینی و کفر برآمد و کوشید مانع انحراف مردم از اصول و معارف اصیل اسلامی شود. به موازات آن با برنامه‌هایی دقیق و هوشمندانه، استحکام و برتری تعلیم و آموزه‌های آسمانی اسلام را به نمایش می گذاشت.

در این شرایط دشوار، امام جعفر صادق(ع) به احیا و ترویج معارف اسلامی پرداخت و مکتب علمی عظیمی به‌وجود آورد که محصول و بازده آن، چهار هزار شاگرد متخصص در رشته‌های گوناگون علمی بود. اینان در سراسر سرزمین پهناور اسلامی آن روز پراکنده شدند. هریک از آن‌ها خود، بازگوکننده منطق امام(ع) بودند که همان منطق اسلام است و پاسدار میراث دینی و علمی و نگهدارنده اسلام راستین به شمار می آمد. این شاگردان مدافع اسلام و مانع نفوذ افکار ضداسلامی و ویرانگر در میان مسلمانان شدند. احیای تعلیم اسلام توسط امام صادق(ع)، سبب شد که آن حضرت به‌عنوان رییس مذهب جعفری یا همان تشیع، شناخته شود.

امام صادق(ع) با استفاده از فرصت به‌دست آمده، بدعت‌ها و خرافاتی را که به تدریج در دین راه یافته بود از ساحت مقدس آیین محمد(ص) زدود و حقایق احکام را روشن و آیات قرآن را به درستی تفسیر کرد. ششمین امام شیعیان(ع) فقه اسلامی را که مدت یک سده دست‌خوش هوا و هوس حکام اموی شده بود از نو احیا و تدوین کرد. ایشان در زمینه موضوعات فلسفی با اصحاب و حتی افرادی که از دین و اعتقاد به خدا دور بودند، مناظرات علمی داشت. نمونه‌ای از بیانات مستدل ایشان در اثبات وجود خدای حکیم که به یکی از شاگردان و اصحاب خود به نام جابر بن حیان است. جابر از مردم خراسان بود، پدرش در

ساله و شهروند تهرانی در این باره می گوید: «به دنبال فراگیر شدن بیماری کرونا، میزان ساعتی که در خانه می ماندم، بیشتر شد. در نتیجه این وضعیت و پس از مدتی در حال و احوال خودم احساس ضعف کردم و کم‌کم متوجه شدم افسرده شده‌ام. دنبال مشاوره آنلاین می گشتم که به این شماره ۱۴۸۰ برخورد کردم. البته پیش از آن، یکی از دوستانم از خدمات مشاوره‌ای بهزیستی برایم گفته بود، اما پس از مدتی خودم به این شماره زنگ زدم».

او در پاسخ به این سوال که برخورد و نحوه مشاوره مشاوران سازمان چگونه بود، توضیح می دهد: «اگر منصف باشم باید بگویم اول اینکه رایگان بود و از این جهت فشاری به مردم نمی آید و دوم اینکه برایم خیلی وقت گذاشتند. مهم‌تر از این، حتی بعدها هم پیگیر حالم بودند».

پناهگاهی برای روزهای تنهایی

«حامد» ۳۴ ساله و شهروند تبریزی که از مشورت این مشاوران استفاده کرده به ایرناپلاس می گوید: «من از آنجا که تصمیم ندارم در این روزها بیرون بروم، برای غلبه بر این شرایط روحی نامناسب بهترین روش را استفاده از این پویش با ما حرف بزن می دانم. حداقل ما را راهنمایی می کنند که چگونه این اوقات بیکاری را به بهترین شکل سپری کنیم».

«مینا» ۲۸ ساله، دیگر شهروند تهرانی است که از این پویش استفاده کرده است. او می گوید: «دیروز که این شماره تلفن برایم پیامک شد، ساعتی بعد به آن زنگ زدم. مشاور این پویش در نهایت صبوری با من صحبت کرد و مشکلات و دغدغه‌هایم را با او مطرح کردم. هرچند تجربه فضای حضوری را ندارم، اما به‌عنوان پناهگاهی است که آدم احساس تنهایی نکند و احساس کند هر وقت بخواید، کسی هست با او حرف بزند و راهنمایی اش کند؛ بسیار بارز است».

اما نقش سازمان بهزیستی در این بخش چگونه است؟ و چه کمکی می تواند بکند؟ این خدمات چه کمکی می تواند به شهروندان در مسائل روانی بکند؟ یا اینکه خود دولت متصدی این طرح شده، چقدر باعث افزایش ساماندهی سلامتی روان مردم در این زمینه شده و افزایش تاب‌آوری اجتماعی را به دنبال داشته است؟

روحیه، عنصر کلیدی غلبه بر کرونا

ندا هوشیار، روان‌شناس بالینی در این باره به ایرناپلاس توضیح می دهد: حفظ روحیه و افزایش اعتمادبه‌نفس در غلبه به‌ر وضعیت نامناسب روحی و روانی به‌ویژه در این هنگامه بیماری کرونا موثر است. اگر شهروندان روحیه خود و امید به زندگی شان را از دست بدهند، آسیب‌های بیشتری می بینند و این روند درمان را طولانی تر می کند. بنابراین طرح‌هایی مانند «با ما حرف بزن» بسیار می تواند مفید واقع شود. به‌شرط اینکه در سراسر کشور تبلیغ شود و همه مردم از وجود چنین برنامه‌ای اطلاع داشته باشد و دولت برای آن هزینه کند.

به گفته هوشیار، نه تنها تقویت روحیه شهروندان و افراد درگیر در این وضعیت روحی و روانی مهم، لازم و ضروری است، بلکه علاوه بر فرد مبتلا، اعضای خانواده هم نیاز به تقویت روحیه دارند و استفاده از مشاوره روان‌شناسان برایشان لازم است، چراکه خانواده‌ها از اصلی‌ترین پایگاه‌های زندگی هر فردی است که ایجاد تزلزل در هرکدام از بخش‌های آن ممکن است زندگی افراد را دچار مشکلات زیادی کند.

شهروندان به خودشان جرئت بدهند مسائل روانی را مطرح کنند

این روان‌شناس بالینی ادامه داد: این روزها که همه به‌ویژه حافظان سلامت برای کمک به هم‌نوعان دست به کار شده‌اند، بر ما هم به‌عنوان کسانی که سال‌هاست در این حوزه کار می کنیم، واجب است در جایگاه خود نقش ایفا کنیم و حتی اگر شده شماره تلفن شخصی اعلام کنیم و پاسخگوی سوال‌های کسانی باشیم که نیازمند مشورت و راهنمایی در این زمینه هستند.

هوشیار در ادامه تاکید می کند: برای ترغیب شهروندان به استفاده از این طرح و خدمات مشاوره غیرحضوری و تلفنی باید تبلیغات لازم و شناسایی آن به همه هموطنان در سراسر کشور صورت بگیرد.

وی در ادامه به برخی از راهکارهای روان‌شناختی مدیریت استرس و اضطراب اشاره می کند و می گوید: نکته اول که مهم است، آگاهی از حقیقت وضع موجود است. هرقدر میزان اضطراب و استرس شهروندان و افراد مبتلا به بیمارهای روحی و روانی بالاتر رود، سطح

دفاعی و ایمنی بدنشان پایین تر می آید، بنابراین برای بالا بردن سطح دفاعی بدن نباید به اضطرابشان اجازه گسترش دهند. باید شهروندان به خودشان جرئت بدهند که این مسائل روانی را مطرح کنند. هوشیار ادامه می دهد: مبتلایان باید باور داشته باشند با قدرت درونی توان مبارزه و مقابله با این بیماری را دارند و به‌هیچ‌وجه تسلیم شرایط روانی نشوند. این واگویی و نهمی‌ها را مرتب با خود تکرار کنند و اجازه ندهند روحیه مقاومت و مبارزه‌شان تضعیف شود.

مشاوران به حرف‌ها و نگرانی‌های مبتلایان گوش کنند

این روان‌شناس به اهمیت نقش مراقبان و مشاوران هم اشاره می کند و می گوید: به مراقبان و اعضای خانواده توصیه می کنم اجازه ندهند نگرانی‌ها و اضطراب‌های آنان به فرد مبتلا منتقل شود و در عوض، با خورشویی و مهربانی و آرامش، روحیه مبارزه و مقاومت و بهبود یافتن را به فرد مبتلا منتقل کنند. به گفته این روان‌شناس، گوش‌دادن به حرف‌ها و نگرانی‌های مبتلایان و انرژی مثبت‌دادن به آن‌ها از سوی مشاوران و مراقبان بسیار اهمیت دارد.



نگاهی به جایگاه مجلات طنز در ایران

چرا گل آقا و توفیق بی جانشین مانده‌اند؟



۱۱ خرداد بر اثر ایست قلبی در بیمارستان آسیای تهران درگذشتند. در پی این خبر سیدعباس صالحی، وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی در پیامی تویتری، درگذشت حسن توفیق را تسلیت گفت. او در حساب تویتری

خبر درگذشت حسن توفیق توسط هادی حیدری اعلام شد. این کارتونیست اظهار کرد: «آقای توفیق از چند روز گذشته به دلیل کم‌اشتهایی در بیمارستان بستری شدند و متأسفانه ساعت سه بعد از ظهر

خود نوشت: «نیم قرن طنز فاخر (۱۳۰۲ تا ۱۳۵۰) تجربه گران‌بهای نشریه توفیق بود. راهی که پس از انقلاب با نشریه گل آقا تداوم یافت؛ ولی سال‌هاست که بی‌جانشین مانده. دل‌مان برای آن لبخندهای تلخ تنگ می‌شود. امروز حسن توفیق در سن ۹۵ سالگی درگذشت. یادش گرامی» سیدعباس صالحی که خود از بدنه اهالی رسانه است، به‌درستی به بی‌جانشین ماندن گل آقا و توفیق‌ها اشاره کرد، اما علت این موضوع چیست؟

حسن توفیق (متولد ۱۱ اسفند ۱۳۰۴) کارتون‌نویس و از مدیران مسئول نشریه طنز «توفیق» و بزرگ‌ترین برادر از برادران توفیق بود که دوره سوم این مجله را منتشر کردند. او به مدت ۲۹ سال مدیریت نشریه «توفیق» را بر عهده داشت.

اما چرا این روزها مجله‌ای مانند توفیق و گل آقا منتشر نمی‌شود، درحالی‌که شاهد فعالیت حرفه‌ای کارتون‌نویس‌ها و طنزپردازان در روزنامه‌ها و مجلات هستیم. علی‌هدیه‌لو، شاعر و طنزپرداز که آثارش را در برخی مطبوعات خوانده‌ایم، در پاسخ به این سوال خبرنگار ایرناپلاس گفت: بعد از انقلاب به‌جز مجله توفیق و گل آقا، پنج یا شش مجله طنز تا اوایل دهه ۶۰ داشتیم، مانند مجله بهلول که در تیراژ کم تا زیادتر پیش می‌رفت.

طنز بی‌خاصیت شده است

به گفته هدیه‌لو، طنز این خاصیت را دارد که گامی فراتر از خطوط قرمز عادی جامعه بگذارد، او ادامه داد: به‌تدریج نهادهای نظارتی حلقه نظارت را تنگ‌تر کردند و باعث شدند طنزها بی‌خاصیت شود. در فعالیت ۱۰ سال اخیر، شاهد بودم، آنقدر از سر و ته طنز زده‌اند که نویسنده می‌بیند چیزی که می‌خواست بگوید از باقی‌مانده نوشته، استنباط نمی‌شود، در نتیجه از انتشار طنزی که برایش زمان گذاشته، منصرف شده و آن را حذف کرده است.

این طنزپرداز با تأکید بر اینکه با روند شکل گرفته در بررسی آثار طنز، مجلات در این حوزه نمی‌توانند فعالیت کنند، توضیح داد: به‌تدریج

اصفهان شکل گرفت. مادر منطقه جلفای اصفهان زندگی می‌کردیم که هنوز هم محله اصلی آرامنه اصفهان محسوب می‌شود. آن‌ها گروه‌های نمایشی و هنری متعددی داشتند، من هم به‌واسطه دوستی با برخی از آن‌ها در گروه‌هایشان شرکت می‌کردم و باید تأکید کنم که آرامنه نقش موثری در ماندگاری و جریان هنری ایران ایفا کردند، اما نامشان خیلی ماندگار نشد. معلم مدرسه ما هم ارمنی بود و همه ما را به یادگرفتن یک رشته هنری تشویق می‌کرد. همان زمان علاقه‌مند به کلاس‌های تئاتر شدم و احساس کردم دلم می‌خواهد همین کار را ادامه دهم. حتی یادم هست که یکی از نمایشنامه‌های میرزاده عشقی شاعر معروف در سال ۱۳۱۲ در اصفهان روی صحنه رفت ولی کسی یادش نیست و نمی‌دانم اصلاً آن نمایشنامه وجود دارد یا نه؟ وی در ادامه می‌گوید: به تهران آمدم تا بتوانم به هنرستان هنرپیشگی بروم. سه سال هم دوره دیدم و در این مدت با اسماعیل سنگله هم‌کلاس بودم. بعد از فارغ‌التحصیلی به دانشکده هنرهای دراماتیک وزارت فرهنگ و هنر رفتم و کم‌کم در آثار نمایشی کارهایم جدی‌تر شد.

کشاورز فعالیت هنری خود را از ۱۳۳۹ خورشیدی با حضور در نمایش «ویولن ساز کره مونا» آغاز کرد و برای نخستین بار در ۱۳۴۳ خورشیدی با فیلم شب قوزی ساخته فرخ غفاری بازیگری سینما را نیز تجربه کرد و بعد به تلویزیون رفت و کارگردانی هنری قسمت‌هایی از سریال خانه قمر خانم را به عهده گرفت. محمدعلی کشاورز در ۱۳۵۲ خورشیدی با مونا طاهری ازدواج کرد که به جدایی انجامید و پس از آن دیگر ازدواج نکرد. حاصل این ازدواج دختری به نام نلی است که در بلژیک زندگی می‌کند.

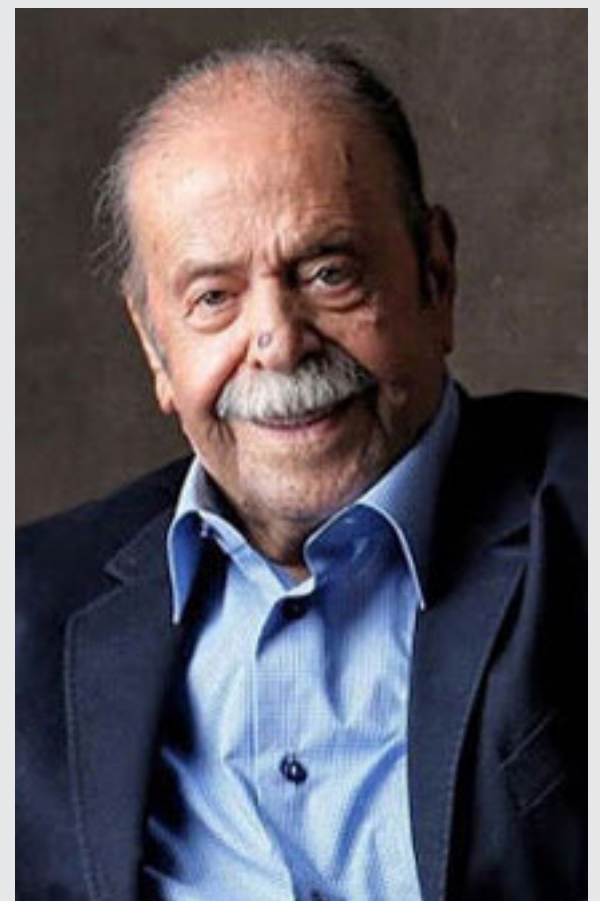
به جرات می‌توان گفت، محمدعلی کشاورز نامی نیست که به گوش هر ایرانی نخورده باشد. حتی آن‌هایی که چندان پیگیر هنرهای نمایشی نیستند، هیچ یک صلابت «پدر سالار» از ذهن‌شان پاک نشده، اما کشاورز برخلاف نقش‌های پرجذبه‌ای که به‌واسطه آن‌ها شهرت یافت، قلبی بسیار مهربان و رؤف دارد. وی درباره نسل جوانی که امروز در عرصه هنرهای نمایشی فعال هستند، می‌گوید: من بارها برای بچه‌هایی که بازی می‌کنند، گفته‌ام فقط با دانشکده رفتن آدم هنرمند نمی‌شود، بلکه هنرمند واقعی کسی است که اصول این مملکت اهورایی را درست بشناسد. ما باید بدانیم مملکت‌مان در طول سالیانی که مشاهیر جهانی را در دامن خود پرورش داده چه تاریخچه‌ای دارد. جوانان شور و انگیزه بالایی دارند و اگر به کاری که انجام می‌دهند، عشق داشته باشند، حتماً موفق می‌شوند. وی همچنین در خصوص علت

جهانگیر مصلی: محمدعلی کشاورز در ۲۶ فروردین ۱۳۰۹ خورشیدی در اصفهان محله سیچان (سیچون) دیده به جهان گشود. کشاورز در خصوص دوران کودکی خود می‌گوید: من در جلفای اصفهان که محله‌ای ارمنی‌نشین است به‌دنیا آمدم؛ جایی با سابقه طولانی در زمینه موسیقی، نقاشی، منبت‌کاری، قالی‌بافی، قلم‌کاری و قلم‌زنی. مردم آنجا اکثراً با ترانه‌های محلی و اجتماعی، همچنین اشعار سعدی و حافظ هم‌خو بودند و شب‌های طولانی زمستان می‌نشستند و شاهنامه می‌خواندند و در قهوه‌خانه‌ها هم همیشه بحث «قالی» داغ بود. تئاترهایی هم به زبان ارمنی اجرا می‌شد که از همان زمان برایم بسیار اثرگذار بود. حتی برای اولین بار سالن تئاتر به‌صورت «جعبه ایتالیایی» در جلفای اصفهان ساخته شد که هنوز هم وجود دارد. ادیان مختلف بدون آنکه برخورد قومی با هم داشته باشند، زندگی می‌کردند و تئاتر می‌گذاشتند. من به کودکستان مریم می‌رفتم و مدیر آنجا فردی بود به نام «گراویدار» که زبان ایتالیایی و فرانسه را خیلی خوب می‌دانست و به ادبیات فارسی هم بسیار مسلط بود و راجع به اشعار سعدی، حافظ، فردوسی، مولوی و شعرای اصفهان بحث می‌کرد. این‌گفت‌وگوها و بحث‌های فرهنگی که می‌شد، روی ما بسیار تأثیر می‌گذاشت به‌خصوص اینکه در دوران کودکی و نوجوانی بودیم و این مسائل برای‌مان تازگی داشت. من بسیار تحت تأثیر فضای بسیار زیبا و قشنگ اصفهان بودم به‌خصوص کاشی‌کاری‌های مساجد که هنوز هم بعد از گذشت صدها سال پابرجاست و کسی نتوانسته مثل آن‌ها کار کند. آن زمان نه تلویزیون بود و نه رادیو و ما به تماشای نمایشنامه‌هایی که در قهوه‌خانه‌ها برای تفریح و سرگرمی مردم اجرا می‌شد می‌نشستیم. حدود ۱۲ سال داشتم که کم‌کم سینما هم آمد. در آن روزگار پدیده جدیدی محسوب می‌شد. اکثر معلم‌های ما از تهران فارغ‌التحصیل شده بودند و آن‌ها مسائل جدیدی را به ما می‌گفتند و یواش‌یواش ما را به تئاتر و سینما علاقه‌مند کردند. خانواده‌ام هم هیچ مخالفتی برای وارد شدنم به کارهای هنری نداشتند. در مدرسه تئاترهایی را کار می‌کردم که بیشتر مسائل وطن‌پرستی در آن‌ها مطرح می‌شد و به موضوعاتی همچون علم بهتر است یا ثروت، می‌پرداختیم.

کشاورز فارغ‌التحصیل هنرستان هنرپیشگی تهران و دانشکده هنرهای دراماتیک و همچنین از فارغ‌التحصیلان رشته نقشه‌برداری نیز بود. این هنرمند برجسته در خصوص اینکه از چه زمانی به هنر علاقه داشته گفته بود: ابتدا در اصفهان با هنر تئاتر آشنا شدم و این از طریق رفاقتم با آرامنه

گذری در زندگی و آثار محمدعلی کشاورز

بدرود پدرسالار!





هرچه فشارها بیشتر شود، طنزها بی‌خاصیت‌تر و بی‌هدف‌تر می‌شوند و تاثیرگذاری اجتماعی و مخاطبان‌شان را از دست می‌دهند. مشکلی که در طنز مکتوب داریم این است که مخاطب به جوابی که دنبالش هست، دسترسی پیدا نمی‌کند، پس در اینستاگرام و تلگرام دنبال خواسته‌هایش می‌رود که خیلی از حرف‌ها را عریان و حتی سخیف بیان می‌کنند؛ اما به این دلیل که حرفی که مدنظر مخاطب است تا حدی در آنجا پیدا می‌شود، مخاطب به سمت آن‌ها گرایش پیدا می‌کند و دنبال طنز مکتوب روزنامه‌ای و مجله‌ای نمی‌رود. مطبوعات از نظر اقتصادی فعالیت ورشکسته‌ای هستند. یادمان هست وقتی سری دوم گل‌آقا راه افتاد از نظر مالی نتوانستند کار را پشتیبانی کنند و به همین دلیل متوقف شد.

نویسنده به مردم و جامعه متعهد است

نقش مخاطبان در محدود شدن طنز مکتوب تا چه اندازه می‌تواند تاثیرگذار باشد؟ در جامعه‌ای مانند ایران برای تلخ‌ترین مسائل هم سوژه‌هایی برای شوخی پیدا می‌شود. از طرفی رسانه پایین مطالعه در ایران باعث رکود کار بسیاری از ناشران و مدیران رسانه‌ها شده است. آیا مطالبات مخاطبان می‌تواند موجب زنده شدن دوباره مجلات طنز شود؟ هدیه‌لو در پاسخ گفت: رسانه مطالعه در ایران پایین است، هیچ‌گاه یک مجله ۱۰ میلیون تیراژ نداشته که بتوانیم روی رسانه مطالعه حساب

کنیم. تیراژ مجلات حداکثر ۱۰ تا ۵۰ هزار نسخه بود. باید توجه داشت مخاطب همان مجلات، نیازهایی دارد که اگر ما بتوانیم آن نیازها را در مجلات پاسخ دهیم، شاید امروز ۲۰ هزار مخاطب بازگردند. به گفته این طنزپرداز وضعیت به‌صورتی شده که عموم طنزپردازان از تغییر برای بهبود اوضاع طنز ناامید شده‌اند. او افزود: نویسنده به مردم و جامعه متعهد است و وقتی نتواند در رسانه داخلی بنویسد، در رسانه‌های شخصی این کار را می‌کند تا بتواند حرفش را بزند. رسانه جدای از بحث تجاری، فعالیت است که رسالت دارد، اگر مانند فعالیت بنگاه‌های املاکی بود، افراد دنبال پولشان می‌رفتند. اگر از طنزپردازی رسالتش را بگیرند، تبدیل به کاری خنثی خواهد شد.

طنز گل‌آقا، سه پله جلوتر از طنز امروز بود

برخی از طنزپردازان بر این عقیده‌اند که نویسنده حرف‌های می‌تواند با رعایت ظرایف در هر شرایطی پیغام خود را به مخاطب برساند، هدیه‌لو در این باره گفت: وقتی گل‌آقا منتشر می‌شد، خیلی‌ها منتظر بودند بسته شود. تنها علتی که بسته نمی‌شد رابطه شخصی کیومرث صابری فومنی با مسئولان نظام بود. اگر آن روابط نبود، تا همان حد هم پیش نمی‌رفت. اگر توجه کنید می‌بیند طنزی که گل‌آقا در آن زمان ارائه می‌داد، سه پله جلوتر از طنزی است که ما الان می‌توانیم در مطبوعات منتشر کنیم. فضا خیلی بسته است، مانند این است که به رونالدو بگویید تکنیکش را در اتاقی با ابعاد دو در دو نشان دهد، او تنها می‌تواند روپایی بزند. وضعیت طنزنویسان شاید بدتر از سایر نویسندگان باشد، به گفته هدیه‌لو بسیاری از آن‌ها فقط برای رفع نیازهای روزمره خود می‌نویسند، تا جایی از کارشان ناراضی هستند که آثار خود را حتی در صفحات شخصی‌شان هم منتشر نمی‌کنند. او افزود: فقط کاری می‌کنند تا روزگارشان بگذرد و گرنه کاری نیست که بتوان به آن افتخار کرد. حتی تا شش سال پیش آثاری را منتشر می‌کردیم که در فضای مجازی به‌صورت گسترده پخش و یک تا سه میلیون بار دیده می‌شد. الان حتی در آن حد نیست و بهترین کارهایی که در مطبوعات نوشته می‌شود، شاید ۲۰ تا ۳۰ هزار بار دیده شود. به همین دلیل است که طنز، توان خود را از دست داده و

رسالت خود را گم کرده است.

سیاست‌گذاری فرهنگی رو به تباهی می‌رود

دیگر موضوعی که طنزپردازان دوره‌های گذشته به آن توجه داشتند، کودکان و نوجوانان بودند. همراه گل‌آقا، مجله بچه‌ها گل‌آقا هم منتشر می‌شد، اما این روزها کمتر شاهد انتظار کودکان و نوجوانان برای چاپ یک شماره از مجله‌ای خاص هستیم. هدیه‌لو با اشاره به تغییراتی که در سیاست‌گذاری فرهنگی شکل گرفته است، توضیح داد: زمانی سیاست‌گذاری فرهنگی، پایه‌های بهتری داشت. برای مثال، فروش نوجوان را قیصر امین‌پور منتشر می‌کرد. کارتون‌های کیهان بچه‌ها کار محمدعلی بنی‌اسدی بود. این تیم‌ها در مجلات فعالیت می‌کردند که خروجی‌اش شد شاعران و ادیبانی که متولد دهه ۶۰ هستند، اما سیاست‌گذاری این روزها هدف‌گذاری ندارد، به‌سوی تباهی عظیمی می‌رود و کاری از دست ما برنمی‌آید. هرچقدر محتوا تولید کنیم، وقتی محملی برای ارائه نداشته باشد، مسکوت خواهند ماند.

نگاهی به فعالیت‌های حسن توفیق

حسن (دوزنده) توفیق، برادر بزرگ‌تر حسین و عباس (از نوه‌های خواهری حسین خان توفیق، بنیان‌گذار روزنامه توفیق در سال ۱۳۰۱)، متولد ۱۱ اسفندماه ۱۳۰۴ بود. او دبستان تا دبلمش را در دارالفنون خواند و بعد توانست در رشته حقوق قضایی دانشگاه تهران فارغ‌التحصیل شود. کارمند وزارت دارایی بود و مدتی در دانشگاه ملی (شهید بهشتی فعلی) درس داد. او که از دوران محمدعلی توفیق (۱۳۲۲) به جمع طنزپردازان توفیق پیوست، از همان ابتدا نیز قدرت مدیریت خودش را نشان داد و پس از برکناری سردبیران، سردبیری توفیق را با همراهی برادرانش برعهده گرفت. اغلب کاریکاتورهای روی جلد توفیق در دوره دوم و سوم، کار اوست.

پس از توقیف توفیق (تیرماه ۱۳۵۰)، حسن و برادرانش بسیار کوشیدند تا راه‌گریزی برای انتشار مجدد بیابند، اما تلاششان در عین حقانیت‌شان، اثربخش نبود. او مدتی در ایران بود و سپس همراه خانواده راهی آمریکا شد و پس از چندی مجدداً به ایران بازگشت.



فقط یک‌بار برای فیلم «مادر» کاندیدای دریافت سیمرغ بلورین شدم که آن هم به خسرو شکیبایی برای فیلم «هامون» رسید، اما بزرگ‌ترین جایزه‌ای که گرفتم از دست پسر جوانی بود که چرخ انگورفروشی داشت و به پیشم آمد و گفت من هیچ چیزی ندارم به تو بدهم غیر از این که حسم را بگویم و خوشه‌های انگور به‌عنوان کادو به من داد که این بزرگ‌ترین جایزه‌ای بود که در زندگی‌ام گرفتم و در واقع بهترین قاضی مردم هستند که در کوچه و خیابان نقدهای فوق‌العاده خوبی می‌کنند. یک‌بار هم به‌عنوان چهره ماندگار در همایش چهره‌های ماندگار انتخاب شدم.

همچنین از جمله کارهای سینمایی برجای مانده از این هنرمند توانا می‌توان به: به من نگاه کن، انتظار، تهران روزگار نو، کمیته مجازات، لژیون، روزی که خواستگار آمده، دام، سلام به انتظار، غزال، روز واقعه، نگاهی دیگر، زیر درختان زیتون، چهارشنبه عزیز، خسوف بازیگر، یک مرد، یک خرس، آقای بخشدار، دلشدگان، ناصرالدین‌شاه آکتور سینما، جستجو در جزیره، پول خارجی، جستجوگر، گل سرخ، مادر، جعفرخان از فرنگ برگشته، جمیل، ستاره دنباله‌دار، کفش‌های میرزا نوروز، مردی که موش شد، طائر، کمال‌الملک، برزخی‌ها، دست شیطان، گرداب، کاروان‌ها، این گروه محکومین، شام آخر، شطرنج باد، وقتی که آسمان بشکافد، خورشید در مرداب، قصه ماهان، رگبار، صادق کرده، آقای هالو، خشت و آینه، زمزمه محبت و شب قوزی اشاره کرد. از این هنرمند نامدار در کنار داوود رشیدی، عزت‌ا... انتظامی، جمشید مشایخی و علی نصیریان به سبب تاثیرشان در سینما و تلویزیون ایران به‌عنوان پنج بازیگر مرد ماندگار تاریخ تئاتر، سینما و تلویزیون ایران یاد می‌شود.

وفات

سرانجام این بازیگر سرشناس و محبوب ایرانی در ۲۵ خرداد ۱۳۹۹ خورشیدی در ۹۰ سالگی بر اثر نارسایی کلیه دیده از جهان فرویست. عبدالعلی علی‌عسکری، رییس رسانه ملی با صدور پیامی، درگذشت محمدعلی کشاورز را تسلیت گفت. در این پیام آمده است: پدر سالار دوست‌داشتنی مخاطبان تلویزیون در آخرین روزهای بهار ۹۹ از این کره خاکی خداحافظی کرد، اما با نقش‌آفرینی ماندگار خود در ۴۵ فیلم سینمایی، ۳۸ سریال تلویزیونی و ده‌ها تئاتر و تله تئاتر همواره در قلب و جان مردم ایران باقی خواهد ماند. از درگاه خداوند تعالی برای آن چهره ماندگار علو درجات و برای بازماندگان صبر و اجر مسئلت دارم.

فیلم‌سازان نامداری چون فرخ غفاری، ابراهیم گلستان، والریو زورلینی، بهرام بیضایی، ناصر تقوایی، نادر ابراهیمی، علی حاتمی، داریوش مهرجویی و عباس کیارستمی کارنامه‌های پربار و متنوع دارد. این هنرمند مطرح و محبوب در سریال‌های تلویزیونی زیادی همچون دایی جان ناپلئون، آتش بدون دود، هزاردستان، سربداران، سلطان و شبان، پدرسالار، چهل سرباز، راه شب، رسم شیدایی، بوی غریب پاییز، خانه‌ای در تاریکی، این سه نفر، مزرعه آفتاب‌گردان، روشن‌تر از خاموشی، حجربن عدی، سیب‌ترش، فرستاده، خورشید شب، جوانی، قصه‌های رودخانه، ایستگاه، بگذار آفتاب برآید، سال‌های خاکستری، قصه‌ها، کهنه‌سوار، شب و مه، خانه به خانه، وکلای جوان، تازینه بر باد، گزارش نقطه صفر و مادر ایفای نقش کرد. وی در خصوص جوایزی که برای آثار هنری خود دریافت کرده بود می‌گوید:

مشهور شدن خود در دنیای بازیگری می‌گوید: همان ابتدا دانستم باید سرزمین خودم را درست بشناسم تا بتوانم بازیگر موفق باشم. من سفرهای زیادی به سراسر ایران داشتم و به این نتیجه رسیدم که اگر بخواهم بازیگر موفق شوم باید از چارچوب خودم بیرون بیایم و دنبال این نباشم که به‌واسطه رفاقت با کارگردان نقش بگیرم. ما هیچ‌وقت منتظر نبودیم ببینیم کارگردان چه چیزی از ما می‌خواهد، بلکه خودمان آن قدر از او سوال می‌پرسیدیم تا نقشی را که به ما می‌دهد، خوب ایفا کنیم.

کارنامه هنری محمدعلی کشاورز

این بازیگر سرشناس همچنین نقش‌ها و ژانرهای مختلفی را در سینما، تئاتر و تلویزیون به‌یادگار گذاشته است و از نظر نقش‌آفرینی در سریال‌ها و فیلم‌های سینمایی و نمایش‌های مختلف و همکاری با کارگردانان و



● آدرس: تهران - خیابان مطهری - خیابان میر عماد - کوچه نهم - پلاک ۳ - واحد ۴
● تلفن: ۸۶۰۴۳۱۱۲
● چاپ: نقش افست گرافیک
● پست الکترونیک: ayatemandegar@yahoo.com

● صاحب امتیاز و مدیر مسئول: محمد آیتی
● سردبیر: امیر حسین مصلی
● مدیر هنری: عالیه اعتمادیان
● وب سایت: www.ayatemandegar.ir

سرمقاله

شریعتی؛ سامانی به نابسامانی‌ها

او می‌گفت از کجا آغاز کنیم و چه باید کرد؟



در شروع دوره گذار فرهنگی که از یک سو به آمار باسوادان کشور اضافه می‌شد و از سوی دیگر دانشگاه‌ها به رشد کمی و کیفی روی آورده بودند و در جامعه‌ای که از یک سو اندیشه مارکسیسم گسترش می‌یافت و مانو بت بخشی از دانشجویان شده بود و از سوی دیگر رشد سطح سواد و ناتوانی دریافت بعضی از پاسخ‌ها و چرایی‌های مذهبی و میل به خوش گذرانی بخشی از جامعه را به سمت اباحه‌گری پیش برده بود، مردی در این دیار از علی (ع) سخن گفت و تصویری از فاطمه (س) نشان داد و از مظلومیت حسین (ع) و ماموریت زینب (س) گفت و پرستش حضرت زین العابدین (ع) را به تصویر کشید. گفت از کجا آغاز کنیم و چه باید کرد؟ و مسئولیت شیعه‌بودن را آموخت و نقش پدر و مادر و اتهام پدران و مادران دوران را برشمرد و...

مارکسیست‌ها خلع سلاح شده بودند و تخریب می‌کردند. فرقان و آرمان مستضعفین به او می‌تاختند و ردیه‌نویسان متحجر برایش اتهام می‌تراشیدند. ولی جوانان جستجوگر مذهبی کتاب‌هایش را عمیق و دقیق می‌خواندند و رشد می‌یافتند و انرژی می‌گرفتند و امید می‌یافتند. قصد پرداختن به محتوای دیدگاهش را ندارم که نه در این مقال می‌گنجد و نه در این مجال و البته دیکته نانوخته غلط ندارد و کسی که از دنیا رفت به راحتی نقد می‌شود، چراکه امکان پاسخ‌گویی و تبیین مطالب خود را ندارد.

یادمان باشد که در کوران انقلاب، کتاب‌های شریعتی روبروی دانشگاه تهران چونان طلا دست به دست می‌شد و عکسکش در دست شرکت‌کنندگان در تظاهرات می‌درخشید و او را به‌عنوان معلم شهید می‌نامیدند و... او بود که در آن دوران سامانی به نابسامانی‌ها بود. آن‌گاه انقلاب پیروز شد. عده‌ای که بر خر مراد سوار شدند «انقلابت علی اعقابکم» را برگزیدند اسمش را کم‌تر بردند و رسمش را به فراموشی سپردند و کتاب‌هایش را از کتابخانه‌ها بیرون بردند و... من اگر جای آن‌ها بودم که ادعای نماز شب خواندن را دارند حتماً یکی از ۴۰ مومن را شریعتی می‌دانستم و در قنوت نماز وتر برایش طلب تعالی روح می‌کردم.

یادش به خیر بعد از مراسم ختمش در مشهد با یکی از روحانیون ساکن مشهد به منزل مرحوم محمدتقی شریعتی رفتیم. پدر می‌گفت نیمه‌شب صدای ناله علی به گوش رسید و نگران به سمت اتاقش رفتند. در حال نیایش بود و با خدایش از علی (ع) حرف می‌زد. مردی با وجه علم و دانش و معنویت از میان ما رفته است، ولی یادش را هرگز نباید فراموش کرد. هرگز...

علی شریعتی‌مزینانی، مشهور به دکتر علی شریعتی نویسنده، جامعه‌شناس و پژوهش‌گر دینی، از مبارزان و فعالان مذهبی و سیاسی و از نظریه‌پردازان انقلاب اسلامی ایران بود. شریعتی نگرشی نوین به تاریخ و جامعه‌شناسی اسلام عرضه کرد. او بازگشت به تشیع حقیقی و انقلابی را نیرویی برای تحقق عدالت اجتماعی قلمداد می‌کرد. شریعتی، علاوه بر شهرت زیادش برای سهم‌داشتن در انقلاب ایران، به‌دلیل کارنامه فعالیت‌هایش برای احیای مذهب و سنت در جامعه و بیدارگری درباره سلطنت

وقت نیز شهرت داشته است. او در ۴۳ سالگی در انگلستان درگذشت و هم‌اکنون پیکر وی بر خلاف وصیتش در مکانی نزدیک حرم حضرت زینب کبری در دمشق سوریه به امانت سپرده شده است.



کاری

ویکتور کروودو
کارتنیست اهل مولداوی



یادواره

نگاهی به زندگی مصطفی چمران

یارِ دو امام

در سال ۱۳۱۱ شمسی در محله سرپولک، بازار آهنگرهای تهران در خانواده‌ای مذهبی، فرزندی به دنیا آمد که او را مصطفی نامیدند. وی دوران ابتدایی را در مدرسه انتصاریه محله پامنار گذراند و دوره متوسطه را در دبیرستان البرز و دارالفنون به پایان رسانید و با ورود به دانشکده فنی در رشته الکترومکانیک تحصیلات عالی خود را آغاز کرد و به‌عنوان شاگرد اول این دانشکده فارغ‌التحصیل و در همان‌جا به‌مدت یک‌سال مشغول تدریس شد.

مصطفی چمران به سبب علاقه شدیدی که به یادگیری مسائل مذهبی داشت از ۱۵ سالگی در درس تفسیر آیت... طالقانی و دروس منطق و فلسفه شهید مطهری شرکت داشت و از این رهگذر بهره‌های فراوانی برد.

مصطفی چمران به‌هنگام تحصیل در دانشکده فنی، به عضویت انجمن اسلامی دانشجویان دانشگاه تهران درآمد و از اعضای فعال این انجمن شد و در جریان ملی‌شدن صنعت نفت و مبارزات پس از آن فعالانه شرکت داشت.

دکتر مصطفی چمران در سال ۱۳۳۲ شمسی با استفاده از بورس تحصیلی دانشجویان ممتاز، جهت ادامه تحصیل عازم آمریکا شد و در دانشگاه کالیفرنیا، تحصیلات خود را آغاز کرد. دکتر مصطفی چمران با دریافت ممتازترین درجه علمی که همراه با تحسین بسیاری از صاحب‌نظران بود درجه دکترای الکترونیک و فیزیک پلاسما را اخذ کرد. دکتر مصطفی چمران سپس عازم لبنان شد و با کمک امام موسی صدر که سمت نمایندگی امام (ره) را در لبنان داشت، گروه «حرکت محرومین» را بنا نهاد و جناح نظامی آن را که به جنبش امل موسوم است، پایه‌گذاری کرد و پس از سازماندهی جنبش «امل»، حملات بی‌شماری را بر علیه مواضع صهیونیسم اشغال‌گر و راست‌گرایان فلالنژ و وابسته انجام داد و خواب راحت را از چشمان غاصبان صهیونیستی ربود و توفیق یافت که خدمات ارزنده و بسیاری را به امت اسلام انجام دهد. با پیروزی انقلاب اسلامی، دکتر چمران پس از ۲۳ سال دوری از وطن به ایران بازگشت و نخستین گروه از سپاه پاسداران را در سعادت‌آباد تشکیل داد و به آموزش آنان پرداخت.

Offset Graphic

مجتمع چاپ و بسته بندی افست گرافیک

متخصص در ایده پردازی و تولید بسته بندی‌های لوکس در صنایع پوشاک، شکلات و شیرینی، آرایشی و بهداشتی

قابلیت چاپ بر روی انواع کاغذهای پشت چسبدار، PVC، ترانسپارنت و کاغذهای سنگی در گرماژهای مختلف

۸۲ ۲۶ ۸۵ ۸۸ - ۷۳ ۷۶ ۸۲ ۶۶
۳۴ ۲۶ ۸۵ ۸۸ - ۸۴ ۱۶ ۷۳ ۶۶
۳۱ ۲۶ ۸۵ ۸۸ - ۴۳ ۸۰ ۷۳ ۶۶

سفارشات: داخلی ۱۰۵ - ۱۰۲